

دکتر تد هیلدبرانت، تاریخ عهد تجدید، ادبیات، و الهیات، سخنرانی ۱۸

کپی رایت © 2020، تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت در کلاس تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق خود در مورد قوانین دشوار از کتاب تثنیه و مقدمه ای بر کتاب یوشع تا تصرف اریحا است.

A. پیش نمایش آزمون [2:26-0:00]

برای پنجشنبه شما بچه ها روی 1 ساموئل کار می کنید. یک نفر بعد از آخرین کلاس به من یادآوری کرد که تکلیفی برای گم شدن در اورشلیم در آنجا وجود دارد، و مشکل این است که من شما را برای نرم افزار Get Lost in Jerusalem تنظیم نکرده ام. بنابراین بگذارید آن را بررسی کنم و آن را یک هفته به عقب برگردانیم. امروز به شما نشان می دهم گم شدن در اریحا و بنابراین ما یک سفر مجازی به اریحا خواهیم داشت. شما بچه ها می خواهید امروز به اریحا بروید؟ بله، ما به اریحا می رویم. این به نوعی یک سفر مجازی به اریحا خواهد بود. اما همان نوع تکنیکی که برای اریحا می بینید همان تکنیکی است که برای ماجراجویی های اورشلیم استفاده می کنید. برای پنجشنبه شما بچه ها روی اول سموئیل و برخی از مزامیر کار می کنید. همه کارها را در این مورد انجام دهید به جز گم شدن در اورشلیم و من آن را برای هفته بعد برای شما تنظیم می کنم.

امروز یکی دیگر از آن روزهای سختی خواهد بود که در آن ما با کتاب تثنیه مبارزه خواهیم کرد و این چیزهای سختی خواهد بود. بنابراین ما یک کلمه دعا می خواهیم، برای آنچه امروز در مورد آن بحث خواهیم کرد راهنمایی می خواهیم. پدر، ما از تو برای این روز تشکر می کنیم. ما از شما برای حرفی که گفتید سپاسگزاریم. شما 3000 سال پیش با مردمی صحبت کردید و آن را برای ما ضبط کردید. ما دعا می کنیم که شما بتوانید در قرن بیست و یکم به ما کمک کنید تا بتوانیم به جای خود برگردیم و بتوانیم بفهمیم که 3000 سال پیش چه کاری انجام می دادید. برای ما پدر، در نقاط مختلف، درک آن فرهنگ، آن زمان، برخی از قوانینی که وضع شد، ما واقعا در مورد آن بی خبر هستیم. تا جایی که می توانید به ما درک کنید. ما دعا می کنیم که این بحث های امروز برای شما افتخار آمیز باشد و بتوانیم شما را جلال دهیم و از شما برای پسر فوق العاده تان عیسی مسیح تشکر کنیم، و به نام گرانبهای او دعا می کنیم. آمین.

B. کنایه از تحمل و تنوع [6:05-2:27]

امروز قصد داریم در مورد برخی از مفاهیم سخت صحبت کنیم. بنابراین من می خواهم در مورد برخی از قوانین کتاب تثنیه بحث کنم که استخوان های ما را به لرزه در می آورد. این همیشه زمان سختی است و در واقع در طول سال ها برای من جالب بوده است که دانشجویان کالج را تماشا کنم و شما افرادی را ببینم که به تنوع و بردباری افتخار می کنید. آیا تنوع و مدارا دو اصل اخلاقی اصلی شما در قرن بیست

و یکم است؟ تنوع و بردباری. آیا می‌توانید انواع چیزها را تحمل کنید؟ یک شخص، چگونه باید بگویم، در روزهای گذشته، همه چیز واقعا غیراخلاقی تلقی می‌شد. اکنون یک پسر با یک دختر می‌خوابد و آنچه اتفاق می‌افتد، درست مثل این است که مسئله مهمی نیست. این در تلویزیون اتفاق می‌افتد، در فیلم‌ها اتفاق می‌افتد و در زندگی واقعی اتفاق می‌افتد. مسئله مهمی نیست. با این حال، سال‌ها پیش این یک معامله بزرگ بود.

با این حال، در فرهنگ ما اگر چیزهای اشتباهی بگویید و از کلمات اشتباه استفاده کنید، مصلوب می‌شوید، کاملاً مصلوب می‌شوید. بنابراین اکنون، ما بسیار به تحمل علاقه داریم، اما با این حال آیا تحمل ما منجر به عدم تحمل می‌شود؟ آنچه من پیشنهاد می‌کنم این است که همه این تأکید بر مدارا و تنوع در واقع منجر به عدم تحمل شده است. بنابراین، برای مثال، در دانشگاه کاتولیک در واشنگتن دی‌سی. برخی از دانشجویان مسلمان در دانشگاه کاتولیک در کلاس‌ها شرکت می‌کنند. این دانشجویان مسلمان گفتند که از عیسی بر روی صلیب آزرده شده‌اند. در یک دانشگاه کاتولیک آنها در واقع صلیب‌هایی با عیسی روی صلیب دارند. این دانشجویان مسلمان از این موضوع آزرده شده‌اند و می‌خواستند آنها را حذف کنند زیرا به آنها توهین می‌کنند. حالا آیا این موضوع به یک دادگاه آمریکایی می‌رود و آیا آنها تصمیم می‌گیرند که آیا یک مدرسه کاتولیک حق دارد صلیب را نصب کند یا خیر؟ آیا مشکلی در این تصویر وجود دارد؟ آخرین باری که در مسجد بودی کی بود و به آنها گفتی که آزرده شده‌ای و به آنها گفتی که می‌خواهی در مسجد صلیب داشته باشی. ببینید چه اتفاقی برای شما می‌افتد؟ بنابراین چیزی که من می‌گویم این است که ما نسبت به مسیحیت بسیار بی‌تحمل شده‌ایم، دیوانه‌کننده است، همه چیز وارونه است. حالا مشکل چیست؟ شما بچه‌ها اکنون باید به 3000 سال قبل برگردید. سوال، آیا فرهنگ ما انواع چیزهایی دارد که در 50 سال گذشته تغییر کرده است؟ حالا شما به 3000 سال قبل برمی‌گردید و خواهید دید که قوانین مربوط به 3000 سال پیش واقعا با طرز تفکر آنها هماهنگ نیست. طنز برای من این است که آمریکایی‌ها در قرن بیست و یکم، آیا ما واقعا قضاوت می‌کنیم وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم و می‌گوییم، "چگونه آنها می‌توانستند این کارها را انجام دهند، آنها اینقدر بی‌رحم بودند؟" ما به این افراد به عنوان بربرها نگاه می‌کنیم. این به نوعی کنایه آمیز است که ما در قضاوت می‌نشینیم اما قرار است اینقدر مدارا کنیم. آیا کنایه را در آنجا می‌بینید؟

من می‌خواهم چیزهایی را به شما نشان دهم که درک آنها سخت است. صادقانه بگویم، من تا به امروز با این چیزها دست و پنجه نرم می‌کنم. مطمئن نیستم که پاسخ همه این چیزها را داشته باشم. اما اینها چیزهایی هستند که فکر می‌کنم باید روی میز بگذارم و امیدوارم ده سال بعد که شما واقعا باهوش هستید، آن را بفهمید و به من ایمیل بفرستید و به من بگویید که پاسخ برخی از این موارد چیست. اما ما با برخی از این قوانین کار خواهیم کرد. اینها قوانینی از کتاب تثنیه هستند که استخوان‌های ما را به لرزه در

می آورند. آنها با فرهنگ ما در تضاد هستند، با طرز فکر ما در تضاد هستند و با نحوه تفکر ما در مورد چیزها در تضاد هستند.

ج. قوانین سخت: جنگ [17:33-6:06]

برخی از این قوانین مربوط به جنگ است. به خصوص در کتاب یوشع مفهوم جنگ را در کتاب یوشع مورد بحث قرار خواهیم داد. اما من آن را در اینجا معرفی می کنم. ما در واقع تا زمانی که به طور کامل وارد جاشوا نشویم با آن کار نخواهیم کرد. جاشوا نبردهای زیادی دارد. یوشع با نبرد اریحا مطابقت داشت - قوانین جنگ. بنابراین اگر به تنه فصل 20 آیه 4 بروید، یک بخش کامل در اینجا در مورد قوانین جنگ وجود دارد. به هر حال، آیا قوانینی برای جنگ در دنیای امروز ما وجود دارد؟ آیا کسی با کنوانسیون ژنو آشنا است؟ آیا راه های خاصی برای انجام کارها منصفانه وجود دارد؟ به عنوان مثال، آیا ما از اسیران جنگی محافظت می کنیم؟

به هر حال، در اینجا برخی از قوانین وجود دارد که از فصل 20 تنه بیرون می آید، سپس در آیه 4 می گوید، "خداوند خدای شما کسی است که با شما می رود تا برای شما علیه دشمنان بجنگد." به آیه 4 بروید. «افسران باید به ارتش بگویند، آیا کسی خانه جدیدی ساخته است و هنوز آن را وقف نکرده است؟ بگذارید به خانه برود.» به عبارت دیگر، اگر خانه ای بسازید و آن را وقف نکرده باشید، هنوز در آن زندگی نکرده اید، اجازه دارید به خانه بروید. آیا این قانون خوبی است؟ اگر کسی به جنگ برود و به تازگی خانه ای بسازد، سرش کجا خواهد بود؟ آیا آنها به خانه خود که هرگز در آن زندگی نکرده اند باز خواهند گشت؟ آنها برای مبارزه با یک نبرد بیرون می روند، آیا سرشان واقعا به آن علاقه خواهد داشت یا قرار است به آنجا برگردند؟ پس خدا می گوید، "اگر به تازگی خانه ای ساخته اید و هرگز در آن زندگی نکرده اید یا آن را وقف نکرده اید، به خانه برگردید، در خانه خود زندگی کنید، بگذارید دیگران بجنگند." آیا کسی به یاد می آورد که پس از جنگ داخلی جنگی به نام ویتنام داشتند. در روزهای ویتنام آنها

دانشجویان را فراخوانده بودند. بنابراین من دانشجوی کالج بودم و شما یک شماره گرفتید. فراموش می کنم، فکر می کنم در دهه 230 بودم، بنابراین این بدان معناست که اگر در دهه 230 بودم، فراخوان نمی شدم. اگر عدد کمی داشتید، فرض کنید عدد شما ده بود، شما تاریخ بودید. آیا شما به ارتش فراخوانده شده

اید، چه دوست داشته باشید و چه نخواهید، خارج از دانشگاه، پس پس چه کار می کنید؟ خوب، شما ازدواج می کنید. اگر ازدواج کردید، به تعویق افتادید. فکر می کنم این دیک چنی بود که این کار را کرد؟ من این را می گویم زیرا شما بچه ها دیک چنی را به عنوان دارث ویدر می شناسید، در واقع او یکی از قهرمانان من است. من می گویم که برای اینکه کمی در چهره شما قرار بگیرد، باید به سخنرانی های چنی گوش دهید. آنها در واقع چیزهای درخشانی در آنجا هستند، علیرغم آنچه فرهنگ رسانه ای در مورد او فکر می کند.

بنابر این اگر خانه ای دارید، تعویق می گیرید و سپس قانون دوم مطرح می شود. می گوید
معافیت ازدواج وجود دارد. اگر با زنی نامزد کرده اید و در حال ازدواج با او هستید، آیا قرار است به
جنگ بروید؟ نه. به هر حال، مشکل چیست؟ اگر مردی به جنگ برود و سرش در خانه روی همسرش
باشد، آیا در جنگ کشته می شود زیرا سرش در جنگ نیست. به هر حال، حتی در آمریکا در دهه های
1960 و 70 آیا برای کسی که ازدواج کرده بود تعویق افتاد؟ شما یک تعویق دارید. آیا این قوانین برای
ما منطقی هستند؟ بنابر این اینها به خوبی جا می شوند. همه قوانین جنگ این کار را نمی کنند.

به صلح فرصت بدهید، تنها چیزی که می گویم این است که به صلح فرصت بدهید. «من کسی
را دیدم که لبخند زد، حداقل او می داند، یک آهنگ قدیمی از دهه 70، "به صلح یک فرصت بدهید". این
تثنيه فصل 20 آیه 10 است. می گوید وقتی برای حمله به شهری راهپیمایی می کنید، به مردم آن پیشنهاد
شالوم [صلح] بدهید. هنگامی که برای حمله به یک شهر بالا می آید، شهر را به شهر شالوم/صلح پیشنهاد
می دهید. اگر آنها بپذیرند و دروازه های خود را باز کنند، همه مردم مطیع و مجبور به کار خواهند شد.
آنها برای شما کار خواهند کرد و اساسا هیزم شکن و حامل آب خواهند بود. بنابر این شما شهر را حفظ می
کنید. این باز هم خوب است، به صلح یک نوع فرصت.

وقتی جاشوا را می خوانید، آیا تا به حال به یاد می آورید که آنها این کار را انجام دادند؟ می
دانید، آنها به یک شهر می آیند و می گویند، "هی، صلح عزیزم، صلح، بیا بیرون." هرگز ضبط نشده
است. فقط به این دلیل که ضبط نشده است به این معنی است که آنها این کار را نکرده اند؟ نه. آنها کارهای
زیادی انجام دادند که ضبط نمی شوند. بنابر این ممکن است آنها این کار را انجام داده باشند اما هرگز
واقعا ضبط نشده است.

بنابر این این مرا به نکته دیگری می رساند که می خواهم در کتاب تثنيه به آن اشاره کنم، آیا
چیزهای زیادی گفته شده است که هیچ سابقه ای وجود ندارد که آنها واقعا انجام دهند. آیا ممکن است
قوانینی داشته باشند که واقعا انجام نداده اند؟ سوال، آیا در آمریکا قوانینی داریم که هیچ ندارد؟ سرت را
تکان بده، بله. ما تعداد زیادی از آنها را داریم. در واقع اکنون مردم می گویند حتی خود دولت می گوید که
ما تصمیم می گیریم این قوانین را اجرا نکنیم. قوانینی در کتاب ها وجود دارد و دولت می گوید ما تصمیم
می گیریم که آنها را اجرا نکنیم. پس به صلح فرصت بدهید، تنها چیزی که می گویم این است که به صلح
فرصت بدهید.

اینها آسان هستند، این یکی سخت است. اسمش هرم. اصل و این در فصل 20 آیه 17 ذکر شده
است. شکل فعل است حرم. حال حاضر هرم، تلفظ می شود هرم، این یک h سخت است، هرم به معنای
"نابودی کامل" است. این بدان معناست که در واقع بگذارید یک قدم به عقب برگردم، در واقع به معنای
"وقف خداوند" است. اما اینکه چگونه آن را وقف سرور کردید با سوزاندن آن و کشتن همه چیز در شهر

بود: مردان، زنان، کودکان و حیوانات. کل شهر کاملاً ویران شده بود. به هر حال، آیا آنها هرگز این کار را انجام دادند و کل یک شهر را نابود کردند: مردان، زنان و کودکان؟ نام یکی از شهرهایی که این کار را با آن انجام دادند چه بود؟ جریکو. آیا آنها کسی را در اریحا رها کردند؟ بله، راحاب در امان ماند، اما بقیه مردم شهر کشته شدند. خب این هرم اصل برای ما به عنوان آمریکایی واقعا سخت است، شما می گوئید، "گاو مقدس، آنها به آنجا می روند و همه را می کشند، مردان، زنان و کودکان، چگونه می توانید این کار را انجام دهید؟

آیا این کار سختی است، مردان، زنان و کودکان و حیوانات به خداوند اختصاص داده شدند و سوزانده شدند؟ چیزهای مختلفی با شمشیر کشته شدند. کسی پرسید: چگونه سربازانی را که نوزادان را می کشند و همه افراد شهر را می کشند، توضیح می دهید؟ چگونه آن را توضیح می دهید؟ حقیقت صادقانه این است که من نمی دانم پاسخ این یکی چیست. این من را کمی آزار می دهد، من چیزهای خاصی را دریافت می کنم، و وقتی وارد کتاب یوشع می شویم سعی می کنیم به توضیحاتی برای آن بپردازیم، اما با این حال، واقعا خشن است. آیا آمریکا تا به حال چنین کاری انجام داده است؟ خب، در واقع ما یک بمب انداختیم، و هر مرد، زن، کودک و حیوان را نابود کرد. من نمی خواهم شما فکر کنید که چون شما آمریکایی های قرن بیست و یکم هستید، بالاتر از همه این چیزها هستید و آنها وحشی های بی رحم بودند. در واقع، بسیاری از مردم با انفجار بمب اتمی کشته شدند، مردان، زنان، کودکان و حیوانات، همه چیز. به هر حال، این بد است، ما نمی خواهیم همیشه بمب پرتاب کنیم، اما آنها این کار را برای نجات جان افراد انجام دادند. زیرا اگر آنها این کار را نمی کردند، چه کسی می داند چند نفر دیگر می مردند. من نمی خواهم وارد توجیه این موضوع شوم. بخشی از آن توجیه جنگ است. و بخشی از آن زمانی است که شما در آمریکا هستید و در یک محیط آکادمیک کالج نشسته اید، آیا ما همیشه می گوئیم صلح و عشق و همه چیز از این قبیل؟ چون چی، آیا ما واقعا باید بیرون برویم و بجنگیم؟ نه. ما شخص دیگری را داریم که این کار را برای ما انجام می دهد و ما می خواهیم با درخشش خود در آکادمی خود بنشینیم و به آنها بگوئیم که چه کاری باید انجام دهند در حالی که در واقع آنها کسانی هستند که باید این کار را انجام دهند. آیا تکبر موقعیت آکادمیک را می بینید؟ چیزی که من می گویم این است که وقتی فکر می کنید همه چیز را فهمیده اید مراقب باشید، در حالی که هرگز مجبور نبودید اسلحه را بکشید و در واقع مهره ای را روی کسی قرار دهید. این چیز بسیار متفاوتی از آن چیزی است که شما تصور می کنید. بنابراین چیزی که من می گویم این است که مراقب تکبر آکادمیک باشید.

سوال دیگری که به ذهنم رسید این بود که خدا این فرهنگ کنعانی را قضاوت می کند؟ بله، او در مورد آن قضاوت می کرد. او می گوید: "من 400 سال صبر کردم. گناه اموریان هنوز کامل نشده است." او 400 سال صبر کرد. سپس او اسرائیل را می فرستد تا این کار را به عنوان قضاوت در مورد این

فرهنگ انجام دهد. آیا خدا فرهنگ ها را قضاوت می کند؟ بله، سدوم و عموره. اکنون او از اسرائیلی ها برای انجام این کار استفاده می کند. اما شما می گوئید چه اتفاقی برای همه این افراد می افتد؟ وقتی نوزادان کشته می شوند، در طرف دیگر چه اتفاقی می افتد؟ به عبارت دیگر، آیا من یک انسان محدود هستم، آیا می فهمم که خدا چگونه کار می کند؟ آیا می توانم در داوری خدا بنشینم؟ فقط از من پرسیدند که چگونه خدا را توجیه می کنید؟ من خدا را توجیه نمی کنم. آیا خدا مرا عادل شمرده است؟ من نمی توانم خدا را توجیه کنم زیرا همه اینها را نمی فهمم. چه اتفاقی می افتد، من می دانم در زندگی چه می گذرد، اما بعد از زندگی چه اتفاقی می افتد؟ آیا ممکن است این نوزادانی که کشته می شوند به بهشت بروند و اوضاع برای آنها بهتر باشد؟ نمی دانم. نمی دانم بعد از آن چه اتفاقی برای همه این موقعیت ها می افتد. بنابراین چیزی که من می گویم این است که نمی توانم در مورد آن قضاوت کنم، تنها چیزی که می توانم بگویم این است که به خدا اعتماد می کنم.

نقطه خاصی وجود دارد که باید عقب نشینی کنید. من این قوانین را تا حدی در اینجا قرار دادم زیرا می خواهم سرتان را باز کنم. برای دادن چیزهایی به شما که در آن نمی توانید خدا را در کوچک و زیبای خود قرار دهید، "خدا شما را دوست دارد و یک برنامه فوق العاده برای جعبه زندگی شما دارد." این نوع قوانین سر شما را در این مورد باز می کند و می گوید یک دقیقه صبر کنید، خدا فراتر از درک من است. من نمی توانم خدا را درک کنم. مسئله من این است که حتی نمی توانم همسر را درک کنم، چگونه می خواهم خدا را درک کنم؟ گاهی اوقات نمی توانم شخص دیگری را که واقعا به من نزدیک است درک کنم، چگونه می توانم بفهمم چرا و چگونه خدا کارها را اداره می کند؟ آیا خدا می تواند عدالت را در آن سوی مرگ اجرا کند که من هیچ تصویری از آن ندارم؟ بنابراین من نمی توانم لزوما در اینجا در مورد خدا قضاوت کنم وقتی که تصویر کامل را ندارم، جایی برای قضاوت واقعی در مورد آن ندارم. پس اینها هرم هر چند قوانین واقعا سخت هستند. همه چیز به سرور اختصاص داده شده و برای خداوند سوزانده شده است. اسرائیل این کار را زیاد انجام نداد، آنها این کار را در اریحا و در عای و حازور انجام دادند، آنها این کار را در سه شهر انجام دادند، بنابراین این یک معامله بزرگ است. این معمولا برای آمریکایی ها، به ویژه برای مردم قرن بیست و یکم دشوار است. ما به هرم در حالی که ما در واقع آن را در جاشوا می بینیم. جاشوا در واقع آن یکی را اجرا کرد. اکنون سخت است.

د. قوانین تجاوز جنسی [20:07-17:34]

قوانین دیگری که استخوان های ما را تکان می دهند: قوانین تجاوز. کتاب مقدس در واقع قوانینی در مورد تجاوز در فصل 22 آیه 23 دارد، اجازه دهید این آیات را خلاصه کنم. کتاب مقدس بین تجاوز در شهر و تجاوز در مزرعه تمایز قائل می شود. هر زمان که این موقعیت های تجاوز جنسی را دریافت می کنید، چیزی دریافت می کنید؟ او گفت: "نه، با رضایت طرفین بود. او موافقت کرد" اما او گفت: "من

موافقت نکردم!" بنابراین شما می دانید که نسخه او با رضایت طرفین بوده است، نسخه او این است که با رضایت طرفین نبوده است. شما این بحث های بزرگ را دارید.

می دانید که اخیرا این مرد از صندوق بین المللی پول، فکر می کنم او برای یک سمت نامزد شده است، فرانسه است. آیا شما بچه ها از این موضوع آگاه هستید؟ او برای یک موقعیت در فرانسه نامزد شده بود. این زن در شهر نیویورک نظافتچی بود و ظاهرا ادعا می کرد که او را مورد آزار و اذیت قرار داده است، بنابراین او را در شهر نیویورک به زندان انداختند و اتفاقا انتخابات در فرانسه برگزار شد. سپس بلافاصله پس از برگزاری انتخابات زنان چه کردند، او تمام اتهامات را کنار گذاشت. آیا کسی می گوید، "هوم، آیا این کمی ماهی به نظر می رسد؟" آیا مردم کسی را به آن وادار می کنند؟ این مسائل پیچیده هستند. من سعی نمی کنم به این مرد بچسبم، تنها چیزی که می گویم این است که آیا وقتی همه اتهامات حذف می شوند، بوی ماهی می دهد؟ او نمی تواند به انتخابات برود و شما فقط در این مورد تعجب می کنید. پیچیده است.

بنابراین آنها می گویند در شهر، اگر زنی مورد تجاوز قرار گیرد، او مسئول فریاد زدن است. وقتی او فریاد می زند چه اتفاقی می افتد؟ مردم می آیند و به او کمک می کنند. او مسئول است که اگر در شهر باشد و مورد تجاوز قرار گیرد فریاد بزند. مشکل در کشور در این زمینه چیست؟ او فریاد می زند و هیچ آنجا نیست، پس مهم نیست. بنابراین در این زمینه هیچ تفاوتی ایجاد نمی کند، او نیازی به فریاد زدن ندارد. او می تواند هر چه می خواهد فریاد بزند و هیچ صدای او را نمی شنود، زیرا او در میدان است. بنابراین این تمایز را ایجاد کرد. حالا آیا چیزهای زیادی وجود دارد که ما می گوئیم خوب اگر من آن را انجام می دادم این کار را به این روش انجام می دادم. اگر او در مزرعه باشد، باید فریاد بزند تا رضایت خود را نشان ندهد، و اساسا مورد تجاوز قرار می گیرد. البته، پس از آن فقط می توانید یک بررسی DNA انجام دهید و می توانید بررسی کنید که معامله چیست. در آن زمان هیچ آزمایش DNA وجود نداشت. منظورم هیچ یک از این نوع چیزهای پزشکی قانونی نیست.

ه. مجازات اعدام [23:33-20:08]

آنها این قوانین مجازات اعدام را دارند. اگر تا به حال مقالاتی برای معلمان دبیرستان خود نوشته باشید، این یکی دیگر از مواردی است. آیا با مجازات اعدام موافق هستید یا نه؟ البته، در ماساچوست این چیزها مدت هاست که از بین رفته اند، جاهایی مانند تگزاس و فلوریدا هنوز هم تا به امروز مجازات اعدام را اجرا می کنند. مردم بسته به انواع موقعیت ها از آن وحشت می کنند. آنها در زمان کتاب مقدس چگونه با آن برخورد کردند؟

پیامبران دروغین. در تثیبه 13: 10 می گوید اگر آن مرد یک پیامبر دروغین باشد، باید کشته شود. حالا از شما می خواهم که در این مورد سوالی بپرسید. شما بچه ها الان مقدار زیادی از کتاب مقدس

را خوانده اید. شما هنوز پیامبران را نخوانده اید. در اسرائیل وقتی پیامبران دروغین داشتند، آیا معمولاً آنها را می‌کشتند یا معمولاً آنها را تحسین می‌کردند؟ بله، آنها معمولاً آنها را تحسین می‌کردند. بنابراین، در حالی که تثنیه می‌گوید پیامبران دروغین باید کشته می‌شدند، معمولاً پیامبران دروغین کسانی بودند که تبریک می‌گفتند. همه پیامبران دروغین را دوست داشتند زیرا پیامبران گفتند: «صلح، محبت و هماهنگی». پیامبران واقعی گفتند، "توبه کنید، خدا شما را داوری خواهد کرد." مردم این را در عهد عتیق دوست نداشتند. چه اتفاقی برای پیامبران حقیقی افتاد؟ آیا پیامبران واقعی سلاخی شدند؟ بنابراین چیزی که من می‌خواهم بگویم آیا بین آنچه قوانین تثنیه می‌گوید و آنچه اسرائیل در واقع عمل می‌کرد ناهماهنگی وجود دارد؟ اما من از شما می‌پرسم که آیا در آمریکا بین قوانین و آنچه اجرا می‌شود و اگرایی وجود دارد؟ بنابراین، برای پیامبران دروغین، اسرائیل این کار را نکرد. طبق قانون باید این کار را می‌کردند، اما این کار را نکردند. حالا می‌خواهم سوال دیگری بپرسم. آیا آنها باید این کار را می‌کردند یا راه دیگری برای نگاه کردن به این قوانین مجازات اعدام وجود دارد؟ و بنابراین من می‌خواهم این سوال را بپرسم. ما در یک ثانیه به آن برمی‌گردیم.

بگذارید چند مورد دیگر را آنجا بگذارم. بت پرستان باید کشته شوند. مشکل این چیست؟ اگر آن شخص بت پرست باشد، باید کشته شود. آیا پادشاهانی بودند که بت پرست بودند؟ بله، نام آن مرد منسی و سلیمان است.

منسی، یا اگر منسی را دوست ندارید، می‌توانید آخاب و همسرش ایزابل را انجام دهید. بنابراین شما بت پرستان را دارید که باید کشته شوند. آیا اسرائیل باز هم بت پرستان را کشت؟ برخی از پادشاهان آنها بت پرست بودند. بنابراین به نظر نمی‌رسد که این قوانین در اسرائیل خیلی خوب رعایت شود. حالا در اینجا برخی از آنها سخت تر می‌شوند. این یکی را بررسی کنید: یک پسر سرکش باید کشته شود. تو می‌گویی، هیلدبرانت، تو یک مرد مرده خواهی بود. پسر سرکش باید کشته می‌شد. شما می‌گویید، "گاو مقدس، به خاطر سرکشی بر پدر و مادرت کشته شد؟"

به هر حال، آیا فرهنگ ما بر اساس شورش علیه والدین بنا نشده است؟ چون والدین احمق هستند، از نسل قبلی هستند و هیچ چیز نمی‌دانند، زیرا با آن نیستند. منظورم این است که پدر و مادر شما حتی یک آیفون بدبو ندارند بسیاری از آنها. چگونه می‌توانند چیزی در مورد زندگی بدانند که در فیس بوک نیستند؟ آنچه من در آنجا می‌گویم وحشتناک است زیرا فیس بوک کمی بیش از حد شخصی می‌شود. به هر حال من از خط عبور کردم. در واقع من عمداً این کار را انجام دادم. بچه هایم به من گفتند که از فیس بوک دوری کنم و من توصیه آنها را قبول کردم.

فاطمه در مورد قانون به عنوان بیانیه ارزش ها [27:37-23:34]

من می خواهم به این مجازات اعدام برای این چیزها برگردم. اکنون از دامادم پرسیدم، در واقع او وکیل دانشگاه شیکاگو است. او از دانشگاه حقوق شیکاگو فارغ التحصیل شد. او برای مرکز میراث در واشنگتن دی سی کار می کند. این یک اتاق فکر است و او با دیوان عالی کار می کند. او در واقع برخی از افراد دیوان عالی را می شناسد. او در واقع در کنگره حضور داشته است. بنابراین این مرد قانون می داند، او حقوق را آموزش داده است. آن مدرسه در کلیولند چیست، کیس وسترن یا چیزی شبیه به آن. به هر حال، او در کیس وسترن تدریس می کند و در مدارس دیگر حقوق تدریس می کند. بنابراین من از او در مورد این قوانین مجازات اعدام پرسیدم و گفتم، "واقعا به نظر می رسد، من نمی توانم این قوانین مرگ را در مورد پسر سرکش درک کنم."

غیر باکره ای که ازدواج می کند، شما می گوئید، "گاو مقدس، نیمی از فرهنگ ما از بین می رود." یک غیر باکره که ازدواج می کرد باید کشته می شد. آنچه رابرت به من گفت، و من فکر می کنم این واقعا یک خرد خوب از او است، آنچه او گفت این است که بسیاری از اوقات قوانین لزوما قرار نیست واقعا اجرا شوند، بلکه خود قوانین مجموعه ای از ارزش ها را ایجاد می کنند. به عبارت دیگر، آنها ارزش ها را تحریم می کنند و می گویند: "این چیزها مهم هستند."

یک پسر سرکش، چه ارزشی را تحریم می کند؟ در واقع به ده فرمان برمی گردد که چه می گوید؟ "به پدر و مادر احترام بگذار." به هر حال، آیا این یکی از اصول اولیه جامعه است؟ بنابراین چیزی که او پیشنهاد می کند این است که این لزوما به این معنی نیست که این چیزها باید اجرا شوند، بلکه ارزش هایی را نشان می دهند که خدا دارد و چقدر به شدت با چیزی مخالفت می کند. حالا آیا این به شما کمک می کند، آیا سوئیچ را در آنجا می بینید؟ از "این چیزی است که شما باید پیاده سازی کنید" در مقابل "اینها مجموعه ای از ارزش ها هستند که در حال تلقین هستند." او پیشنهاد می کند که برای قانون به طور کلی سوال بزرگ اغلب تلقین مجموعه خاصی از ارزش ها است. این برای من منطقی است. حالا سوال: آیا این کاملا مشکل را برای من حل می کند؟ نه، اما این به من کمک می کند و حدود هشتاد یا هفتاد درصد به من کمک می کند. بنابراین هنوز چیزهایی وجود دارد که در مورد آنها تعجب می کنم، اما به من کمک می کند.

گفتن هانا "چه معنایی دارد، پس اگر اجرا نشود، بی معنی می شود"، این دقیقا همان چیزی است که رابرت می گوید. شما به اجرای قانون فکر می کنید، او می گوید، "نه، خود قانون باید بیانیه ای از ارزش های اجتماعی باشد." می گوید که اینها ارزش هایی هستند که شما واقعا در هسته فرهنگ خود به آنها نیاز دارید. بنابراین هر فرهنگی قوانین خود را دارد و همیشه لزوما به این معنی نیست که قوانین به همان شکلی که در کتاب های قانون وجود دارد اجرا می شوند، بلکه بیان می کنند که یک فرهنگ برای چه چیزی ارزش قائل است و یک فرهنگ چه چیزی را بی ارزش می کند. بنابراین چیزی که من می

گویم این است که کل مفهوم نحوه تفکر ما در مورد قانون باید تغییر کند و فکر می‌کنم این برای من مفید است. کاری که او در نهایت انجام می‌دهد این است که می‌گوید قوانین سیگنال‌های ارزشی هستند، که آنها ارزش‌ها را نه فقط به عنوان کدهای حقوقی اخلاقی نشان می‌دهند. می‌ترسم که به آن به عنوان یک کد حقوقی اخلاقی کاملاً فکر می‌کردم و کاری که رابرت انجام داد این بود که مرا به ارزش‌های اجتماعی برگرداند.

حالا سوال می‌کنم، فکر می‌کنم هانا هم چیزی در آنجا دارد. آیا چیزی شما را آزار می‌دهد؟ برخی از شما هنوز می‌خواهید آن را به عنوان کد قانونی ببینید زیرا به نوعی به این شکل نوشته شده است. من هنوز آماده نیستم که این را رها کنم. اما این راه دیگر به من کمک می‌کند تا آن را تا حدودی نرم کنم. بنابراین این فقط چیزی است که من می‌خواهم شما در مورد آن فکر کنید، لزوماً مجبور نیستید با آن موافق باشید. صادقانه بگویم، من هرگز به این شکل فکر نکردم تا اینکه سال گذشته ما این بحث بزرگ را در این مورد داشتیم و منطقی بود.

G. Lex talionis: چشم در برابر چشم [33:18-27:38]

اکنون، قوانین دشوار دیگر قوانین تکه تکه شدن است. این یک کار آسان است که شما با آن آشنا هستید. به این کار می‌گویند *قانون قصاص*. این "چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان" است. حالا شما می‌گویید چه مشکلی با آن وجود دارد؟ بنابراین او دندان شما را مشت می‌کند. شما دندان او را مشت می‌کنید. چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان. سپس همه ما بی‌دندان خواهیم بود، درست است؟ این عدالت چگونه است؟ چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان. خوب، بگذارید فقط بگویم، آیا این عدالت است؟ چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان.

به عبارت دیگر، آنچه این قانون می‌خواهد بگوید این است که مجازات برابر با جرم است. حال چه اتفاقی می‌تواند در فرهنگ‌های خاصی بیفتد، مثلاً قانون حمورابی و برخی فرهنگ‌های دیگر، آیا ممکن است دندان کسی را از بین ببرید، اگر آن شخص پادشاه باشد، سر شما را به خاطر از بین بردن دندانش برمی‌دارد. بنابراین چیزی که این می‌گوید این است که شما نمی‌توانید بیش از حد واکنش نشان دهید. به عبارت دیگر، دندان در برابر دندان، آسیبی که وارد کردید مجازاتی است که دریافت می‌کنید. باید برابر باشد. شما نمی‌توانید بیش از حد واکنش نشان دهید و بگویید من پادشاه هستم و او دندان من را از بین برد، سرش را بردارید. در برخی از فرهنگ‌های دیگر این واکنش بیش از حد رایج است. اگر کار اشتباهی انجام دهید، بسته به اینکه با چه کسی این کار را انجام داده‌اید، این واکنش بیش از حد کامل وجود دارد. "چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان" می‌گوید که جرم و مجازات باید با یکدیگر مطابقت داشته باشند. بنابراین این در واقع مفید است تا اطمینان حاصل شود که فرد بیش از حد واکنش نشان نمی‌دهد.

آیا هیچ یک از شما بچه ها تا به حال در چنین شرایطی قرار گرفته اید که انتقام در جریان باشد؟ کسی با آن شخص کاری می کند و آن شخص سخت تر و خشن تر پاسخ می دهد. سپس این فرد سخت تر و خشن تر پاسخ می دهد و فقط تشدید می شود. آنچه قانون می گوید، نه، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان. همانطور که انجام شده است، مجازات باید با جرم مطابقت داشته باشد.

نکته دیگر در مورد این، و این در آمریکا اتفاق می افتد، من همین دیشب داشتم این را تماشا می کردم، به نوعی جالب بود. مردی است که برای سرقت از فروشگاه Seven Eleven وارد می شود. بگذارید بگوییم که او اسلحه به دست دارد و یک مادر بزرگ هفتاد و دو ساله وجود دارد، این ساعت یک صبح است، او بیرون است و با آن مرد در فروشگاه Seven-Eleven صحبت می کند. مردی می آید تا از فروشگاه سرقت کند. می دانید مادر بزرگ چه می کند؟ این حقیقت صادقانه است. این مادر بزرگ این اسکندر را می گیرد و وقتی این مرد سعی می کند چیزهایی را بدزد شروع به کتک زدن به این مرد می کند. این مرد سعی می کند این چیزها را بدزد و مادر بزرگ اینطور پیش می رود. همه چیز در دوربین ضبط شده است، بنابراین خنده دارترین چیز است. او این مرد را کتک می زند. آن مرد چیزها را می دزدد، از فروشگاه خارج می شود. حالا بیایید فرض کنیم که او در آمریکا گرفتار شده است. او صد دلار دزدید و از مادر بزرگ سرش آسیب دید. او برنده شد. بسیار چشمگیر بود. من نمی خواهم با آن زن درگیر شوم.

بنابراین در فرهنگ ما اتفاقی که می افتد این است: او صد دلار را دزدید، او یک اسلحه دارد، زیر بغلش. چه اتفاقی برای او می افتد، آیا به جرم سرقت مسلحانه به زندان می افتد؟ امیدوارم او را به زندان بیندازند. بنابراین در آمریکا، آیا ما مردم را برای مجازات زندانی می کنیم؟ چند نفر در آمریکا زندانی هستند؟ 2 یا 3 میلیون؟ رقم 2 میلیون در سرم می چسبد. حالا، مطمئن نیستم. فکر می کنم این رقم در ذهن من می ماند. 2 میلیون نفر زندانی شدند. آیا این تعداد زیادی از مردم در زندان هستند؟

به هر حال، آیا این واقعا برای زندانی نگه داشتن مردم هزینه زیادی برای آمریکا دارد؟ هزینه حبس یک ساله چقدر است؟ من معتقدم بیش از 30,000 دلار است. به هر حال، اگر اهل کالیفرنیا هستید، امیدوارم هیچ اهل کالیفرنیا نباشد. اما اگر اهل کالیفرنیا هستید، افراد زیادی در زندان هایشان زندانی هستند و بودجه هایشان بدهکار است. بنابراین کالیفرنیا میلیاردها دلار زیر آب است و آنچه آنها می گویند این است که ما نمی توانیم این افراد را در زندان نگه داریم. بنابراین آنها می خواستند این افراد را در خیابان رها کنند زیرا دیگر نمی توانند آنها را در زندان های ما نگه دارند.

حالا مشکل در دوران باستان چیست؟ آیا آنها در دوران باستان زندان داشتند؟ پادشاهان به زندان ها دسترسی داشتند، اما بسیار کم؟ یوسف در زندان بود. اما فقط پادشاه چنین زندانی خواهد داشت.

بنابراین چیزی که من می گویم این است که وقتی شخصی جرمی مرتکب می شود، آیا می توانید این امتیاز را داشته باشید که آن شخص را به زندان بیندازید؟ اگر یک سارق مسلح برای سرقت از یک Seven-Eleven در بیت لحم وارد شود، زندانی ندارد که آن مرد را در آن قرار دهد. بنابراین اتفاقی که می افتد این است که آنها باید فوراً عدالت را رعایت کنند. به عبارت دیگر، اگر زندان ندارید، باید فوراً عدالت را اجرا کنند. حتی در برخی از زندان های ما آیا آنها هرگز سعی می کنند بلافاصله کارها را انجام دهند؟ آیا تا به حال این را شنیده اید؟ اگر مردی چیزی را از کسی بدزدد، در واقع باید برگردد و با شخصی که از او دزدیده است روبرو شود و دو برابر آنچه را که دزدیده است، 3 بار، 4 برابر آنچه از آن شخص دزدیده است، بازپرداخت کند. آیا این واقعا چیز خوبی است که او واقعا باید با آسیبی که به شخص دیگری وارد کرده است روبرو شود؟ بله.

اکنون، ما جنایتکاران بزرگی مانند برنی میداف داریم. او مجبور شده است با افرادی روبرو شود که آنها را پاره کرده و به آنها می خندید. بنابراین من می گویم که به نظر می رسد پشیمانی کمی در آنجا وجود دارد. اما به نظر می رسد چیزی در عهد عتیق وجود دارد که شما چیزی را دزدیده اید، سپس باید بیست درصد آن را پس می دادید. آنها زندان نداشتند. شما نمی توانید آنها را در زندان ها قرار دهید. بنابراین اگر آنها کاری انجام دهند و دست شما را از بین ببرند، دست آن شخص را نابود می کنید. بنابراین این عدالت فوری است که اجرا می شود، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان. به دلیل نبود زندان، آنها مجبور بودند عدالت را به گونه ای متفاوت اجرا کنند.

H. چند همسری [35:00-33:19]

در اینجا یکی دیگر وجود دارد - قوانین چند همسری. کتاب مقدس قوانینی در مورد چند همسری دارد. تثنیه فصل 21، آیه 15: "اگر مردی دو زن داشته باشد و یکی را دوست داشته باشد اما دیگری را دوست نداشته باشد." یک دقیقه صبر کنید، آیا اینجا به من می گوید که کتاب مقدس چند همسری را تأیید می کند. فصل 21 آیه 15 می گوید که آن مرد دو زن دارد و یکی را دوست دارد اما از دیگری متنفر است. آیا قانونی در کتاب مقدس در این مورد وجود دارد؟ آیا این بدان معناست که خدا چند همسری را تأیید می کند؟ نه، خدا مرد و زن، آدم و حوا را آفرید. با این حال مردم در آن زمان روابط چند همسری داشتند. یعقوب با راحیل و لیا. بیلها، خدمتکار و غیره. این قانون از چه کسی حمایت می کند؟ از کدام همسر محافظت می کند؟ کدام همسر نیاز به محافظت دارد؟ همسر دوست نخورده. بنابراین آنچه این قانون می گوید این است: "اگر مردی دو همسر داشته باشد، از همسر مورد محبت خود محافظت می شود." او باید به او غذا بدهد، باید با او خوب رفتار کند. فرزندان همسر مورد علاقه نیز بخشی از ارث را دریافت می کنند. شما نمی توانید همسر مورد محبت را از ارث محروم کنید. آیا این قانون از همسر مورد محبت حمایت می کند؟ آیا این چیز خوبی است؟

خب، بهترین چیز این است که چند همسری وجود ندارد، اما می گوید اگر وجود داشته باشد، و در آن فرهنگ وجود داشته است، پس شما باید از همسر مورد محبت خود محافظت کنید. این قوانین چند همسری است.

I. قوانین برده داری [37:45-35:01]

این یکی مشابه است. قوانین برده داری، فصل 15 آیه 12. پس اگر یک هموطن عبرانی خود را به شما بفروشد و شش سال به شما خدمت کند، در سال هفتم چه اتفاقی می افتد؟ او آزاد می شود. بنابراین بله، قوانین برده داری در کتاب مقدس وجود دارد، آیا این بدان معناست که کتاب مقدس برده داری را تأیید می کند؟ به هر حال، آیا این برده داری از نوع آفریقایی است، به آنجا بروید، مردم را دستگیر کنید، آنها را سوار قایق کنید، آنها را به اینجا بکشید و سپس آنها تا آخر عمر برده آن شخص باشند؟ این بدان معناست که یک پسر خود را به کسی می فروشد و در سال هفتم آزاد می شود. چرا یک شخص باید خود را به شخص دیگری بفروشد؟ بدهی. در فرهنگ ما ما این را بردگی بدهکار می نامیم. آیا برخی از مردم این را ورشکستگی می نامند؟ به عبارت دیگر، این مرد در حال ورشکستگی است و نمی تواند از عهده تغذیه خانواده اش برآید؟ آیا آنها در آن زمان قحطی داشتند؟ وقتی قحطی داشتند، نمی توانستید به خواربار فروشی بدوید، چیزی برای خوردن وجود نداشت و خانواده تان از گرسنگی می مردند. بنابراین شما خودتان را به یک مرد ثروتمند می فروشید، به او کمک می کنید تا محصولاتش را برداشت کند و سپس چه چیزی را به دست می آورید؟ شما برای خانواده خود غذا تهیه می کنید تا بتوانید خانواده خود را سیر کنید. بعد از شش سال می توانید دوباره شروع کنید.

کتاب مقدس قوانین برده داری دارد اما از برده محافظت می کند. آیا اینها قوانین سختی هستند؟ اما به هر حال، آیا فرهنگ آنها با فرهنگ ما متفاوت است؟ بله. اما آنها کارها را متفاوت انجام می دهند و البته اشتباه می کنند. آیا کنایه را در آنجا می بینید؟ ما می توانیم در صندلی قضاوت بنشینیم. چیزی که برای من طعنه آمیز است این است که فرهنگ ما چقدر قضاوت کننده شده است اگر شما در دنیای کوچک PC ما که در قرن بیست و یکم داریم قرار نگیرید. در واقع، در طول سال های گذشته من دانش آموزان را دیده ام که سفت و سفت می شوند، تا اینکه سال گذشته وقتی از یک دانش آموز پرسیدم مهمترین چیزی که از عهد عتیق به دست آوردید چیست و او گفت "خدا بچه ها را می کشد." حالا من می گویم امیدوارم که شما بچه ها از آن عبور کنید و تفکر شما کمی فراتر از آن است. بنابراین چیزی که من می گویم این است که شما باید با زندگی واقعی و خدایی که بزرگتر از آن چیزی است که می توانید تصور کنید کشتی بگیرید و شما باید از شیوه های آمریکایی خود در نگاه کردن به چیزها خارج شوید.

J. حیوانات [41:51-37:46]

اکنون درمان حیوانات موضوع دیگری است که واقعا جالب است. تنبیه در واقع قوانینی در مورد حیوانات دارد. قوانین مربوط به حیوانات چیست؟ البته این قوانین در مورد گربه ها صدق نمی کند. من همه این جوک های گربه را دارم اما با افراد خاصی خیلی خوب پیش نمی روند.

فصل 22 آیه 10 یک مثال است. در واقع قوانین حیوانی بسیار کمی وجود دارد. می گوید: «با گاو و الاغی که به هم چسبیده اند شخم نزنید». حالا چرا می گوید با گاو و الاغ با هم شخم نزنید؟ آیا گاو یک حیوان عظیم الجثه است، آیا گاو می تواند گاوآهن را خیلی خوب بکشد زیرا واقعا حیوان قوی است؟ الاغ چیست؟ یک حیوان کوچک لاغر. الاغ ها برای سوار شدن خوب هستند، اما در مقایسه با گاو لزوماً برای شخم زدن خوب نیستند. شما یک الاغ و یک گاو را کنار هم قرار می دهید، آیا این یک مشکل واقعی برای الاغ است؟ و به هر حال، این برای گاو نیز مشکل ساز است، زیرا گاو تمام کارها را در حالی که الاغ سوار می شود، انجام می دهد. بنابراین می گوید، "یک گاو و یک الاغ را یوغ نکنید" زیرا برای هیچ یک از حیوانات منصفانه نیست. آیا این حتی به عهد جدید می رسد؟ در عهد جدید می گوید، "با بی ایمانان به طور نابرابر درگیر نشوید." بنابراین شما می توانید اقتباس این قانون گاو و الاغ را ببینید. پولس در دوم قرنتیان می گوید، "ایمانداران نباید با بی ایمانان ازدواج کنند. به طور نابرابر یوغ نشوید." او این قانون را در آن وضعیت اعمال می کند. بنابراین الاغ و گاو را به هم پیوند ندهید زیرا برای هیچ یک از حیوانات منصفانه نیست.

به فصل 25 آیه 4 بروید که یکی دیگر از قوانین جالب در مورد وضعیت حیوانات است. تنبیه 25.4 "گاو را در حالی که از دانه بیرون می رود پوزه نکنید." چه اتفاقی می افتد آنها ساقه های غلات را می گیرند، گندم را قطع می کنند و می گذارند و گاو روی آن راه می رود. حالا وقتی روی آن قدم می زند چه می کند؟ پاهایش دانه ها را خرد می کند. این shucks در اطراف هسته وجود دارد، هسته ها سخت هستند و shucks نیستند. گاو روی آن راه می رود و دانه ها را می ریزد و سپس مردم دانه ها را به هوا پرتاب می کنند و کاه از بین می رود. اما گاو کسی است که روی آن قدم می گذارد. آیا تا به حال گردو سیاه انجام داده اید؟ اگر گردو سیاه بگیرید، آنها را در راهرو خود قرار می دهید و ماشین خود را روی آنها می برید و به طور خودکار گردو سیاه را می ریزد. من در این زمینه تجربه دارم زیرا وقتی کوچکتر بودم پدرم مرا مجبور کرد این کار را با دست انجام دهم و دستانم سیاه شده بود و هر سال به مدرسه می رفتم. بنابراین من با دستانم در جیم رفتم و سپس این ترفند را در مورد رانندگی ماشین روی آنها یاد گرفتیم. واقعا عالی بود، مثل گاو بود، اما آیا باید به گاو غذا بدهید؟ بله، شما باید بنزین را در مخزن بریزید. این به چه معناست؟ این بدان معناست که گاو برای شما کار می کند و وقتی گاو برای شما کار می کند، باید بخشی از دانه را برای خود بگیرد؟ برای گاو منصفانه است که اگر گاو تمام کارها را انجام دهد، مقداری از غذا را دریافت می کند.

به عبارت دیگر، شما حیوانات دارید، آیا باید از حیوانات خود مراقبت کنید؟ آیا طبق قانون موظف به مراقبت از حیوانات خود هستید؟ بله. اگر آنها کار خود را برای شما انجام می دهند، باید بخشی از برداشت را برای خود دریافت کنند. این فقط منصفانه است. بنابراین حتی حیوانات نیز در کتاب مقدس حقوقی دارند - تثنیه 25. سه سال پیش شنیدم که زنی در کتاب تثنیه در مورد قوانین حیوانات سخنرانی می کرد و کاملاً درخشان بود. همه این قوانین در رابطه با حیوانات بسیار جالب بود. آیا کتاب مقدس، این وحشتناک است، دیدگاه بسیار بالایی نسبت به نوع بشر دارد؟ بله، همینطور است. اما آیا کتاب مقدس نیز دیدگاه بسیار بالایی نسبت به حیوانات و رفتار با حیوانات دارد؟ بله، همینطور است. بنابراین جالب است و در اینجا چند قانون حیوانی وجود دارد.

ک. اسرائیل و کلیسا [47:15-41:52]

در اینجا چند سوال نهایی در مورد کلیسا و اسرائیل آورده شده است. کلیسا اسرائیل نیست. اسرائیل یک ملت است. آیا ملت به قوانینی در مورد قتل نیاز دارد؟ آیا ملت به قوانینی در مورد سرقت نیاز دارد؟ آیا ملت به قوانینی در مورد تجاوز نیاز دارد؟ آیا کلیسا یک ملت است؟ کلیسا یک ملت نیست، بنابراین عدالت را اجرا نمی کند و به خودی خود دادگاه به معنای مدنی ندارد. بنابراین شما باید بین اسرائیل و کلیسا تمایز قائل شوید. اسرائیل قوانینی خواهد داشت که قوانین ملی گرایانه هستند و برای کلیسا نیستند. تفاوت ها چیست؟ اسرائیل یک ملت است. کلیسا یک مجمع یا گروهی از مردم است، بنابراین متفاوت است. شما باید آنها را از هم جدا کنید. یکی از چیزهای اساسی که من به آن نگاه می کنم اصل اساسی است. در بسیاری از این قوانین، فرهنگ آنها 3000 سال پیش بسیار متفاوت از فرهنگ ما بود. پس چگونه می توان این قوانین را از تثنیه خارج کرد و آنها را در امروز به کار برد؟ به هر حال، آیا پولس آنها را در عهد جدید به کار برد؟ آیا کسی به یاد می آورد که "گاو را در حالی که از دانه بیرون می رود پوزه نکنید"؟ آیا این در عهد جدید در مورد کسی که برای شما کار می کند اعمال می شود، باید به او غذا بدهید و از آنها مراقبت کنید. آیا باید به شخصی که به شما خدماتی ارائه می دهد دستمزد مناسبی بپردازید؟ همانطور که گاو را خفه نمی کنید، شخصی که کار را برای شما انجام می دهد نیز باید بخشی از آن را دریافت کند. بنابراین در عهد جدید به بزرگان کلیسا اعمال شده است که اگر برای کلیسا کار می کنند باید حقوق بگیرند. بنابراین شما به دنبال اصول اساسی هستید.

اصول اساسی طلاق چیست؟ عیسی در مورد این موضوع چه گفت؟ رابطه فرهنگ در رابطه با قانون چیست؟ عیسی گفت که خدا به دلیل سختی قلب شما اجازه طلاق داد. آیا خدا طلاق را تأیید می کند؟ نه. در ملاکی خدا می گوید که از طلاق متنفر است. با این حال او به دلیل سختی قلب آنها اجازه داد. اگر او اجازه طلاق را نمی داد، آنها چه می کردند؟ آنها یکدیگر را می کشند.

آیا این اتفاق حتی تا به امروز نیز رخ می دهد؟ من فقط به این فکر می کردم که آیا این مورد را در تنسی به یاد دارید؟ این زن داشت می گفت که این مرد از غذای سوخته اش شکایت می کند، بنابراین یک تفنگ ساچمه ای 12 گیج گرفت، آن مرد در رختخواب بود، بام بام، در حالی که او در رختخواب بود به پشت به این مرد شلیک کرد زیرا او غذا را سوزانده بود و او چیزی در مورد آن گفت. بنابراین در ازدواج درگیری وجود دارد و اگر اجازه طلاق را ندهید، مردم همدیگر را می کشند، همانطور که تا به امروز انجام می دهند.

بنابراین این بدان معنا نیست که خدا طلاق را تأیید می کند. شما باید به اصل اساسی نگاه کنید. آیا ازدواج باید محل عشق و هماهنگی بین دو نفر باشد؟ بله، اما همیشه اینطور نیست. شما باید مواضع واقع بینانه بگیرید در غیر این صورت آنها یکدیگر را می کشند. اگر سر و صدا تا این حد بالا رفت، به آنها اجازه دهید طلاق بگیرند. اصل اساسی چیست؟ طلاق گرفتن بهتر از مردن است. بنابراین قانون نه به این دلیل که او طلاق را دوست دارد، بلکه به دلیل اصل اساسی ارزش گذاری زندگی وضع شده است. این یکی برای من جدید است. قانون یک سیگنال ارزشی است، قانون نشان می دهد که خدا چه چیزی را تأیید می کند و برای چه چیزی ارزش قائل است. اگر دو همسر در یک موقعیت چند همسری دارید، خدا چه کسی را با همسر محبوب یا دوست نداشتنی طرف می کند؟ آیا خدا از افراد ضعیف محافظت می کند؟ آیا این اصل اساسی است، آیا خدا از ضعیف محافظت می کند، همسر مورد محبت نشده؟ خدا این قوانین را وضع می کند که به محافظت از فقرا و رنج کشیدگان کمک می کند. تنبیه پر از آن است.

بنابراین قانون یک علامت ارزشی است بیش از این که اینها الزامات قانونی هستند، آنها باید این کار را انجام دهند، آنها باید پیامبران دروغین و مشرکان را بکشند. این بیانیه ای از ارزش ها است که بت پرستان و پیامبران دروغین واقعا بد هستند و خدا آنها را دوست ندارد.

اسرائیل آمریکا نیست. آمریکا زندان دارد و بنابراین ما می توانیم برخی از مسائل قضایی خود را با زندانی کردن مردم حل کنیم. به هر حال، چند نفر از شما ترجیح می دهید عدالت فوری داشته باشید تا اینکه به زندان بروید؟ آیا تقریباً بهتر است که داروی خود را مصرف کنید و آن را تمام کنید تا اینکه 2 یا 3 سال، 4 یا 5 سال، 10 سال در زندان بمانید؟ بنابراین شما باید در مورد نحوه توزیع عدالت فکر کنید و من مطمئن نیستم که زندان همیشه به اندازه ما منصفانه یا انسانی باشد.

اینها برخی از چیزهایی هستند که استخوان های ما را تکان می دهند، من نمی گویم که برای همه اینها راه حل دارم، فقط می خواهم شما به برخی از این چیزها نگاه کنید و بگویید وای، اینجا چیزهای زیادی برای فکر کردن وجود دارد.

گاهی اوقات خود کتاب مقدس با هم درگیر می شود. آیا در عهد عتیق یهودیان باید ژامبون می خوردند؟ آیا قرار بود خرچنگ بخورند؟ آیا قرار بود گربه ماهی بخورند؟ آنها قرار است در عهد عتیق حلال بخورند. آیا در عهد جدید به ما گفته شده است که مجبور نیستیم حلال بخوریم؟ ما یهودی نیستیم، دیگر مجبور نیستیم حلال بخوریم. در اعمال رسولان فصل 15 این درگیری را مشاهده می کنید که در آن به پطرس گفته می شود که بلند شود و چیزهایی بخورد که حلال نیستند. خدا می گوید، "نه، پطرس، این افراد غیریهودی هستند که اکنون به کلیسا می آیند و غیریهودیان مجبور نیستند حلال بخورند، و اشکالی ندارد." بنابراین این یک درگیری بین عهد عتیق و عهد جدید است. عهد جدید می گوید، زمان تغییر فرا رسیده است، آنها نیازی به خوردن حلال ندارند و نیازی به ختنه شدن ندارند. و همه غیریهودیان خدا گفتند: «آمین».

می بینید چه می گویم؟ در طول زمان با برخی از این موارد نیز تغییراتی وجود دارد، بنابراین شما باید سوالات رشدی بپرسید.

این چیزهای بسیار سختی بوده است و من نمی گویم که ما همه چیز را حل کردیم، اما یک چیز که حل کردیم این است که پایان تثنیه است. کتاب تثنیه کتاب فوق العاده ای است. این یک کتاب تجدید عهد است که در آن موسی رهبری را به یوشع می دهد و او عهد را تجدید می کند. او آن را خلاصه می کند، نهادهایی را برای اسرائیل در آینده ایجاد می کند. خداوند خدای خود را با تمام قلب، روح و ذهن خود دوست داشته باشید، بنابراین این یک معامله بزرگ است.

م. مقدمه ای بر یوشع [51:09-48:55]

کاری که می خواهیم بعد انجام دهم این است که به جاشوا بروم، ما می خواهیم یک دسته نقشه داشته باشیم، و ما می خواهیم این را تنظیم کنیم. یوشع شامل تصرف سرزمین موعود است. شما می خواهید رود اردن باشید، من دریای مرده هستم، و این کشور اسرائیل است، و شما دریای مدیترانه هستید. بنابراین جغرافیای اینجا در این کلاس درس، من می خواهم آن را تنظیم کنم. یوشع می خواهد مردم را به سرزمین موعود ببرد. ما می خواهیم به سه پیروزی، دو مشکل و سپس مسئله جنگ نگاه کنیم.

ابتدا بیایید در مورد ماهیت و انتقال رهبران بحث کنیم. در کتاب یوشع، یک انتقال در رهبری وجود دارد. انتقال از موسی به یوشع است. هر زمان که انتقالی در رهبری وجود داشته باشد، ممکن است مشکلاتی وجود داشته باشد. آیا افراد خاصی به رهبر قدیمی وفادار خواهند بود؟ آیا رهبر جدید این کار را دقیقاً به روشی که رهبر قدیمی انجام می داد انجام می دهد؟ نه. به هر حال، آیا دوست دارید جاشوا باشید؟ آیا موسی مرد بود؟ او پنج کتاب از کتاب مقدس نوشت، به کوه سینا رفت و با ده فرمان پایین آمد. موسی رو در رو با خدا صحبت می کند.

حالا جاشوا می آید و باید جای موسی را پر کند. آیا دوست دارید به آن کفش ها قدم بگذارید؟ اینها کفش های بزرگی هستند. جاشوا چیزهای زیادی برای پر کردن دارد. بنابراین اکنون این انتقال رهبری در کتاب یوشع وجود دارد، ما در ابتدا شاهد بسیاری از آن خواهیم بود. اما چیزی که می بینید این است که خدا قهرمان همیشه حاضر است. در واقع این موسی نبود بلکه حضور خدا بود که دریای سرخ را شکافت، این خدا بود که شریعت را در سینا داد. بنابراین چیزی که شما دارید این است که خدا می آید و می گوید، "اکنون یوشع، همانطور که من با موسی بودم، با شما خواهم بود." خدا قهرمان همیشه حاضر بود. بنابراین اکنون خدا به اصطلاح رهبر خواهد بود و همانطور که از طریق موسی هدایت کرد، می تواند از طریق یوشع رهبری کند. بنابراین تمرکز بر انتقال رهبری باید بر سرور باشد.

N. نیاز رهبر به تشویق [53:08-51:10]

آیا رهبران واقعا پایین می آیند؟ آیا موسی، موسی مرد، هرگز پایین آمد؟ به حدی که گفت: "خدا جانم را بگیر، اگر می خواهی با من اینگونه رفتار کنی." موسی واقعا ناراحت شد و پایین آمد. شما خواهید دید که این اتفاق در مورد ایلیا نیز رخ می دهد. بسیاری از رهبران عهد عتیق واقعا سقوط خواهند کرد. ارمیا کتاب مرثیه ها را می نویسد، که به نوعی گویای همه چیز است. بسیاری از این بچه ها واقعا ناامید می شوند. خدا پیش جاشوا می آید و ببین او چه می گوید، اینجا کمی خنده دار است، فکر می کنم نکته بعدی ماست.

ببینید او چه می گوید. "هیچ نمی تواند در تمام روزهای زندگی شما در برابر شما بایستد. همانطور که با موسی بودم، با تو خواهم بود. من هرگز تو را ترک نخواهم کرد و تو را ترک نخواهم کرد." آیا این بیانیه زیبایی است؟ "من هرگز تو را ترک نخواهم کرد و هرگز تو را ترک نخواهم کرد." خدا به یوشع می گوید: «عمانوئیل، من با تو خواهم بود.» اما بعد او می گوید: "قوی و بسیار شجاع باشید." خدا این را بارها به یوشع خواهد گفت که "قوی و شجاع باشید". این باعث می شود فکر کنم جاشوا در مورد به عهده گرفتن این نقش رهبری کمی ناراحت بود. خدا به او می گوید: «قوی و بسیار شجاع باش زیرا این مردم را به ارث خواهی برد، سرزمینی را که به اجدادشان سوگند یاد کردم که به آنها بدهم.» سپس دوباره می گوید، "قوی و بسیار شجاع باش و مراقب باش که از تمام شریعتی که بنده من موسی به تو داده است اطاعت کنی." سپس اگر به آیه نهم بروید، او دوباره می گوید: "آیا من به شما فرمان نداده ام؟ قوی و بسیار شجاع باشید." پس خدا به یوشع می گوید، نمی دانم چند بار در اینجا "قوی و شجاع باشید." ظاهرا یوشع به تشویق نیاز داشت و خدا این را به او می دهد تا به او بگوید که قوی و شجاع باشد، زیرا او می خواهد قوم خود را رهبری کند.

O. مقایسه موسی و یوشع [56:27-53:09]

حالا، آیا مردم رهبر قدیمی را با رهبر جدید مقایسه می کنند؟ آیا تا به حال در کلیسایی بوده اید

که یک شبان جدید پیدا کنید و همه او را با شبان قدیمی مقایسه کنند؟ این مرد بهتر است، این مرد بدتر. این مرد این کار را به این شکل انجام داده است، ما همیشه این کار را به این شکل انجام داده ایم و این یک راه دیگر جدید است.

آنچه جالب است این است که خود خدا می گوید، یوشع، "همانطور که با موسی بودم، با تو خواهم بود." خود کتاب مقدس این مقایسه را ایجاد می کند: یوشع و موسی هر دو در ابتدای خدمت خود آب را تقسیم کردند. موسی دریای سرخ را شکافته و یوشع رود اردن را شکافته است. او آن را تقسیم نمی کند، اما آب پایین می آید و او از رودخانه اردن عبور می کند. همانطور که آنها از آب، دریای سرخ یا دریای نی عبور کردند، جاشوا نیز از آب عبور می کند و در فصل چهارم آیه چهاردهم، این به رودخانه اردن می رسد. آنها در زمین خشک از رود اردن عبور می کنند.

خدا قلب فرعون را برای موسی سخت می کند. در یوشع، خدا قلب کنعانیان را سخت می کند. بنابراین کنعانیان مقاومت می کنند. بنابراین خدا قلب دشمنان موسی را سخت می کند و خدا قلب دشمنان یوشع را سخت کرد.

این یک مورد جالب است: من فکر می کنم در خروج 17 بود، موسی به جنگ می رود و موسی نیزه خود را بالا می برد و وقتی نیزه خود را بالا می برد، چه اتفاقی می افتد؟ آنها برنده می شوند، و آیا به یاد دارید که دستش خسته می شود و نیزه اش پایین می آید و سپس آنها می بازند؟ هارون و هور دستانش را بالا می گیرند. بنابراین شما این دو نفر را دارید که دستان موسی را بالا گرفته اند و خیلی زود خسته می شوند، پس چه کار می کنند؟ آنها در نهایت سنگ هایی را زیر دستان موسی قرار می دهند تا نیزه را در آنجا نگه دارند. جاشوا نیز وارد جنگ می شود و حدس می زند چه می کند؟ نیزه را بالا می برد و آنها روز را می برند. این همان کاری است که موسی انجام داد. نیزه را بالا نگه دارید و پیروزی را به دست آورید. شما هم همین نوع چیز را دریافت می کنید: موسی این کار را با نیزه بالا گرفت تا ادعای پیروزی را داشته باشد و جاشوا نیز همینطور.

این یکی دیگر است. پیروزی های آنها در کنار هم قرار می گیرد. فکر می کنم در فصل دوازدهم جاشوا است. در اینجا پیروزی های موسی را فهرست می کند و در ادامه پیروزی های یوشع را فهرست می کند. آنها در کنار هم قرار می گیرند تا این دو را با هم مقایسه کنند، و جالب است که آنها در آنجا موازی هستند.

سپس، در نهایت، و این یکی است که واقعا شسته و رفته است، موسی فرشته خداوند را می ببیند. موسی برای اولین بار فرشته خداوند را کجا ملاقات کرد؟ در بوته ای در حال سوختن. موسی بوته در حال سوختن را می بیند و می آید و می گوید: "وای، به این بوته در حال سوختن نگاه کن." او به سمت بوته در حال سوختن می آید و فرشته خداوند به او چه می گوید؟ "کفش هایت را در بیاور، تو در

زمین مقدس هستی. " بنابر این موسی می گوید، "یک بوته در حال سوختن، یک بوته سخنگو. سمت چیه؟" و می گوید "من هستم که هستم." یوشع با فرشته خداوند ملاقات می کند. او بالا می آید و فرشته خداوند به او می گوید، حدس بزنید چه؟ "کفش هایت را در بیاور، تو در زمین مقدس هستی." بنابر این هر دوی آنها به این فرشته خداوند نزدیک می شوند و هر دو صندل های خود را در می آورند زیرا در زمین مقدس هستند. بنابر این چیزی که من می خواهم بگویم این است که به نظر می رسد این شباهت بین موسی و یوشع وجود دارد که در فصل های اولیه یوشع انجام شده است.

پ. همه اسرائیل با هم: اتحاد [58:43-56:28]

حال، برخی از چیزهای پس زمینه در اینجا: این یک زمان منحصر به فرد در تاریخ اسرائیل است. تمام اسرائیل با هم هستند. این به نوعی شبیه آمریکای اولیه است که در آن همه مردم آمریکایی هستند و همه با هم بودند. اگر به جورج وایت فیلد نگاه کنید که از ساحل بالا و پایین می رفت، و یکی از کارهای بزرگی که وایت فیلد انجام داد این بود که سیزده مستعمره را با حمایت یتیم خانه اش در جورجیا به هم پیوند داد. مردم ماساچوست به مردم جورجیا کمک کردند و مردم کانکتیکات به جورجیا کمک کردند. او به فیلا دلفیا رفت و بنجامین فرانکلین متعهد شد. بنابر این چیزی که شما دارید این است که جورج وایت فیلد در ساحل شرقی بالا و پایین می رود و ایالت ها را به هم متصل می کند. آنها در این مرحله با هویت خود دست و پنجه نرم می کردند. شما همین نوع چیزها را در اوایل با اسرائیل دارید. این یک بار خواهد بود که آنها با هم باشند. اسرائیل شمال و جنوب را تقسیم کرد، درست مانند آمریکا در جنگ داخلی. آیا کسی به یاد می آورد که دو و نیم قبیله در ماورای اردن قرار داشتند و نه و نیم قبیله دیگر به سرزمین موعود رفتند؟ روبن، جاد و نیمی از قبیله منسا بودند که در اردن ساکن شدند. بنابر این وقتی یوشع از رود اردن عبور می کند، آیا این قبایل می خواهند بروند یا می گویند، "ما در حال حاضر سرزمین خود را داریم. ما قصد نداریم به آنجا برویم و برای شما بجنگیم، ما از قبل زمین خود را داریم." پس آنچه اتفاق می افتد این است که، جاشوا به آنها می گوید، وقتی از رودخانه عبور می کنند، چند سنگ برمی دارند؟ دوازده سنگ. آن دوازده سنگ نماد دوازده قبیله است. آیا قوم روبن و جاد و نیمی از قبیله منسی، در حالی که قلمرو خود را دارند، باید از رود اردن عبور کنند و برای تصرف این سرزمین بجنگند؟ بله، آنها انجام می دهند. سپس بعدا به آنها اجازه داده می شود به خانه بروند. این زمانی است که همه اسرائیل با هم هستند و به جنگ می روند. بنابر این روبن، جاد و نیمی از قبیله منسی باید از رود اردن عبور کنند تا به نه و نیم قبیله دیگر کمک کنند.

س. اهمیت اریحا [60:05-58:44]

چرا تصرف اریحا اینقدر مهم بود؟ ما در اینجا به برخی از نقشه ها می رسم که از شما می خواهیم به آنها توجه کنید. آیا جریکو یک معامله بزرگ است؟ ما حتی آهنگی داریم، "جاشوا متناسب با

نبرد اریحا" که قبلا در مدارس خوانده می شد. اما دیگر نمی توانید آن را در مدرسه بخوانید، اما شاید در کلیسا. آیا این نوع کنایه آمیز است؟ آیا دیگر می توانید این را در مدارس دولتی بخوانید؟ برخی از مدارس هنوز این کار را انجام می دهند، اما وقتی شروع به انجام این کارها می کنید که شبه مذهبی هستند دچار انواع مشکلات می شوید. مردم اکنون از این فرهنگ وحشت می کنند. تحمل؟ موقعیت مکانی اریحا کجاست؟ موقعیت اریحا بسیار مهم است. وقتی ورزش می کنید، آیا اولین بازی فصل مهم است؟ بازی اول به نوعی تنور را تنظیم می کند. بنابراین این اولین نبرد آنها در سرزمین موعود در اریحا است. این اولین بازی شما در فصل است. موقعیت مکانی آن چیست؟

R. Map: بررسی جغرافیا [65:30-60:06]

این مکان است، اجازه دهید فقط به برخی از موارد در اینجا از نظر این نقشه اشاره کنم. آیا این دیوار کوه را اینجا می بینید که پایین می آید و دیوار دیگری از کوه ها اینجا وجود دارد. آیا می دانید تکنونیک صفحه ای چیست؟ شما این دو صفحه قاره ای را دارید، و دو صفحه درست در اینجا به هم می رسند. اتفاقی که افتاد این بود که صفحات از هم جدا شدند، از هم جدا شدند و پایین رفتند. اتفاقی که در اینجا افتاد این بود که اساسا این چیز را که 1270 فوت زیر سطح دریا قرار دارد، پایین ترین نقطه روی سطح زمین زیر سطح دریا باقی گذاشت. تمام آب به دریای نمک یا دریای مرده می رود، چگونه خارج می شود؟ تبخیر می شود و باقیمانده را پشت سر می گذارد. به همین دلیل 33 درصد نمک است. خب اتفاقی که افتاد این بود که دو صفحه از هم جدا شدند، شما یکی اینجا و یکی اینجا دارید. این در یک دره است، یا چیزی که دره ریفت نامیده می شود، بنابراین شما 10، 20 مایل در اینجا دارید. این یک دره بین جایی است که این دو صفحه از هم جدا شده اند. بین دریای جلیل می رود، تا خلیج ایلات می رود، به دریای سرخ و به آفریقا می رود. این دو صفحه قطع می شوند و شما می توانید آن را در اینجا ببینید. موسی قرار است درست اینجا در کوه نبو باشد. اسرائیلی ها درست در اینجا، در دشت های موآب اردو زده اند. موسی قرار است در کوه نبو اینجا بمیرد. سپس جاشوا می خواهد آنها را از صخره ها پایین بیاورد و از رود اردن عبور کند. آنها می خواهند از رودخانه اردن در زمین خشک عبور کنند و جریکو درست اینجا خواهد بود. آیا جریکو در دره است یا در کوهستان؟ این دره است، حدود 800 فوت زیر سطح دریا است. آیا در دره ها گرم خواهد بود؟ آیا کسی دره مرگ را می شناسد؟ آیا در دره گرم خواهد بود، بسیار گرم؟ 120 پایین در تمام دوران تابستان. جریکو چشمه عظیمی دارد که می ریزد، فکر می کنم 10,000 گالن آب در ساعت یا یک روز است. فقط این همه آب را پمپ می کند. سوال: وقتی در بیابان آنجا واقعا گرم است، آیا به آب نیاز دارید؟ پس آیا این مکان واقعا مهم خواهد بود؟ وقتی از بیابان عبور می کنید، اینجا در اریحا آب خود را می گیرید و سپس به اورشلیم می روید. آیا متوجه شدید

که اریحا و اورشلیم به نوعی در یک سطح هستند؟ به هر حال، آیا متوجه بالای دریای مرده می شوید که از اینجا تا اینجا از بالای دریای مرده تا اریحا حدود 3 یا 4 مایل بالاتر است.

حالا من فقط می خواهم چند چیز را در اینجا ترسیم کنم. این همان چیزی است که بزرگراه پادشاهان در اردن نامیده می شود. اساسا از بین النهرین تا عربستان تا مسیرهای ادویه رفت. هنگامی که آنها تجارت ادویه جات را انجام می دادند، در بزرگراه پادشاهان سفر می کردند. این برای شما بچه ها مسیر 1 است. آیا مسیر 1 از آمریکای شمالی بالا و پایین می رود؟ می دانید من چه می گویم، مسیر 1. این یک بزرگراه اصلی است که بزرگراه پادشاهان در ماورای اردن در شرق رود اردن نامیده می شود. سپس یکی دیگر در ساحل دارید. این یکی در ساحل مانند Rt. 95. آیا Rt. 95، بالا و پایین ساحل را انجام می دهید؟ تا شهر نیویورک. همیشه در شهر نیویورک بچرخید. شما Rt. 95 را دارید که بالا می رود. به این ترتیب به این بزرگراه ساحلی یا Via Maris [راه دریا] می گویند. اگر کالا در مصر دارید و می خواهید آنها را حمل کنید، چه کاری انجام می دهید؟ شما از بزرگراه ساحلی بالا می روید. بنابراین این مانند Rt. 95 این مانند Rt. 1. چگونه می توان فرم Rt. 1 تا Rt. 95 یا از Rt. 95 به Jericho-- Rt. 1. آیا می توانید از اینجا عبور کنید؟ شما نمی توانید از اینجا عبور کنید زیرا به دریای مرده برخورد می کنید. آیا می خواهید از اینجا عبور کنید؟ نه، شما نمی خواهید از اینجا عبور کنید، همه چیز بیابان است. شما می خواهید اینجا بیاوید و دیگری را بگیرید و بالا بروید. آیا جریکو قرار است در یک مسیر تجاری قرار گیرد؟ به هر حال، این غرب است، این شرق است. آیا اریحا در یک مسیر تجاری اصلی شرق به غرب قرار دارد. نه شمال به جنوب، بلکه یک مسیر تجاری شرقی-غربی، که دو بزرگراه N-S را به هم متصل می کند. تقریبا مثل H است. هر کسی که از اینجا عبور می کند از اریحا عبور می کند.

حالا، در اینجا راه دیگری برای نگاه کردن به آن وجود دارد. سرتان را به پهلو بچرخانید، اینجا دریای مرده است. این در واقع یک تصویر ماهواره ای است، اجازه دهید چند دکمه را در اینجا بزنم. اینجا کوه نبو است، اینجا جایی است که موسی می میرد. اینجا جایی است که اسرائیلی ها در دشت های موآب در آنجا اردو زده اند. موسی در کوه نبو می میرد. جاشوا قصد دارد از رود اردن عبور کند. آیا می توانید رودخانه اردن را ببینید، منطقه تاریکی که به دریای مرده فرو می رود؟ آنها از رودخانه اردن عبور می کنند و به اریحا می رسند. جریکو درست در آنجا واقع خواهد شد. بنابراین جریکو درست در کنار صخره های آنجا است. این فقط شمال در رابطه با دریای مرده چند مایل است. آیا می توانید آن را ببینید؟ آیا کسی تا به حال نام قمران، طومارهای دریای مرده را شنیده است؟ آنها درست در این منطقه و گوشه شمال غربی دریای مرده یافت می شوند.

S. مجازی جریکو پانوراما [75:00-65:31]

حالا، آیا اگر بتوانیم به جریکو برویم شسته و رفته نیست؟ چرا این کار را نمی کنیم. بنابراین کاری که می خواهیم انجام دهم این است که شما را به اریحا ببرم. اما باید وضوح صفحه خود را تغییر دهم تا بهتر به نظر برسد. پس کمی صبر لطفا.

ما می خواهیم به اریحا برویم و اینجا در اریحا هستیم. آیا در مورد اینکه در این کلاس چه چیزی وجود دارد صحبت کرده ام؟ تل تپه ای از تمدن است، لایه به لایه تمدن آن، مانند یک کیک لایه ای. می بینید؟ این جریکو است. این را داستان اریحا می نامند. آیا این لایه روی لایه تمدن است؟ به 8000 سال قبل از میلاد برمی گردد. این یکی از قدیمی ترین شهرهای جهان است. به هر حال، وقتی این شروع شد، در سطح زمین بود. آیا می توانید ببینید که اکنون در سطح زمین نیست، حدود 75 فوت ارتفاع دارد. آیا می توانید ببینید که ساخته شده است؟ مردم شروع به ریختن زباله های خود در خیابان ها می کنند، چه اتفاقی می افتد که شما 100 سال این کار را انجام می دهید؟ شهر شروع به بالا رفتن می کند. پس این چیزی است که اتفاق افتاد. پس این جریکو است. حالا می خواهیم اریحا را کشف کنم. همان کارهایی که در این زمینه انجام می دهید، همان تکنیک هایی است که در Get Lost in Jerusalem استفاده می کنید که اکنون آنلاین است. به یاد داشته باشید که شما بچه ها قرار است در اورشلیم قدم بزنید.

بنابراین به هر حال بیایید برویم کاوش کنیم. بنابراین می توانید از روی نقشه ببینید که می توانید روی این نقاط غلت بزنید و می توانید چیزهای کنار را در اینجا ببینید. بنابراین به هر حال بیایید به اینجا برویم تا منظره ای داشته باشیم. حالا می توانید ببینید که این جریکو است و اگر از کلید shift استفاده کنید، در واقع می توانید بزرگنمایی کنید، که بسیار مفید است. سپس می توانید به اطراف نگاه کنید و می توانید به این شکل بروید و کل شهر اریحا را ببینید. اینجا می توانید ببینید که آنها یکی از آن ماشین های گوندولا را دارند و شما درست از صخره بالا می روید. اگر چند دلار بپردازید، می توانید به کوه وسوسه بروید، جایی که مسیح در آن کوه وسوسه شد. بیایید به اطراف نگاه کنیم، بگذارید کوه وسوسه را به شما نشان دهم، بگذارید کمی عقب برگردم، ماشین ما اینجا است. بگذارید کمی عقب برگردم و سپس اینجا، آیا آن کوه را در آن بالا می بینید. می بینید صومعه ای در بالای آن صخره وجود دارد؟ به نظر می رسد یک قلعه است اما یک صومعه است. یک دسته راهب در آنجا زندگی می کنند، به آن کوه وسوسه می گویند. آنجا جایی است که ظاهراً عیسی را برداشتند، به یاد داشته باشید که شیطان او را به کوه بلندی برد تا تمام پادشاهی های جهان را به او نشان دهد، تعظیم کنید و مرا پرستش کنید، این مکان است. آیا شما این را باور دارید؟ نه، اینطور فکر نمی کردم. هیچ این را باور نمی کند به جز راهبانی که آنجا هستند. بنابراین ظاهراً این کوه وسوسه است.

روزی روزگاری از این صخره ها بالا رفتم و حدود 20 مایل از بیابان پشت این صخره ها عبور کردم، اما بعدا وقتی در مورد شهر آی در بیابان صحبت می کنیم که به گییعون می رود، این داستان را برایتان تعریف خواهم کرد. بیایید به جریکو برگردیم. من می خواهم به جریکو برگردم. می توانید ببینید که آنجا چگونه به نظر می رسد، آیا خیلی بیابانی است؟ می توانید خانه های آنها را در آنجا ببینید. اگر این کار را انجام دهید چه، این را تماشا کنید. تماشا کنید. آیا کسی سرگیجه می گیرد؟

بیایید به اریحا برویم و به بالا برویم. من می خواهم شما را به کناری ببرم تا بتوانیم به یک سنگر نگاه کنیم، در واقع می توانید ببینید که باستان شناسان کجا حفر کرده اند. اینجا جایی است که آنها در آن حفر کرده اند. یادتان می آید که چگونه در مورد لایه سوختگی به شما گفتم؟ یک لایه سوختگی وجود دارد. آیا می توانید لایه سوختگی را ببینید؟ در واقع می توانید ببینید که عرض آن حدود 6 اینچ است. می بینید که خاک در اثر آتش سیاه شده است. به آن "لایه سوختگی" می گویند. اگر رد کنید، این بارویی است که به اریحا می رسد. آیا می توانید ببینید باستان شناسان در اینجا چه کردند؟ باستان شناس یک خندق حفر کرد و آنها از آن عبور کردند و حفاری کردند و تمام این موادی را که از این سنگر بیرون کشیدند طبقه بندی کردند. آنها دیگر این سبک حفاری خندق را انجام نمی دهند، این یک تکنیک قدیمی است که فکر می کنم آلمانی ها در سال 1933 از آن استفاده کردند. اما اگر به اینجا برگردید و به بالا نگاه کنید، می توانید ببینید که اینجا یک دیوار وجود دارد. بحث بزرگی در مورد این دیوار وجود داشته است که آیا این دیوار برنز اولیه است یا برنز پسین یا بدون برنز. بحث های بزرگی بر سر دیوارهای اریحا وجود دارد. آیا شنیده اید که دیوارهای اریحا را فرو ریخته یافتند؟ اگر موضع کنیون را بگیرید، می گویند هیچ دیواری وجود ندارد. من فقط شنیدم که زنی در این مورد بحث می کند و او گفت که کتاب مقدس اشتباه است. او از نظر باستان شناسی می گوید که در ساعت 1200 زمانی که موسی وارد شد، هیچ دیواری در اریحا وجود نداشت. هیچ دیواری وجود نداشت بنابراین کتاب مقدس اشتباه می کند. این فقط افسانه ها و افسانه ها هستند، باستان شناسی این را ثابت می کند. حالا شما در مورد مطالعه برایتان وود در این سایت می گویند که او می گوید کتاب مقدس درست بود. حالا به هر حال، آیا باستان شناسی همیشه یکسان است یا هر 10 یا 20 سال یکبار نظرش را تغییر می دهد. پس این نمونه ای از برخی از دیوارهای آنجا است.

جای دیگری هست که می خواهم بروم. حالا می بینید که چگونه می توانید این کار را انجام دهید، وقتی می چرخم و به یک تیر تبدیل می شود. وقتی به فلش تبدیل می شود، می توانم آنجا کلیک کنم و وقتی روی آنجا کلیک می کنم به آنجا می روم. بنابراین اکنون ما آنجا هستیم. اکنون ما به دیوارهایی که قبلا به آنها نگاه می کردیم نگاه می کنیم. می توانید راه خود را در اطراف سایت باز کنید. من می خواهم تقلب کنم. به هر حال، اگر نمی دانید به چه چیزی نگاه می کنید، می توانید روی این کلیک کنید. می آید و اطلاعاتی در مورد آنچه می بینید به شما می گوید.

بنابر این من می خواهم اینجا از کوه بالا بروم. من می خواهم اینجا به این طرف بروم. می بینید که این برج اینجا است؟ این برج نوسنگی نامیده می شود و قدمت آن به حدود 8000 سال قبل از میلاد از عصر حجر جدید باز می گردد. آیا اریحا یکی از قدیمی ترین شهرهای جهان است؟ واقعا قدیمی و عمدتا به دلیل چشمه آب. این یک برج واقعا باستانی است. در اینجا، می توانید کمی از سنگ ها را ببینید که چگونه از آجر گلی ساخته شده اند؟ آنها از آجر گلی دیوار ساختند، می توانید آجر گلی را اینجا ببینید. خب بیایید از اینجا برویم. آیا می بینید که این چگونه عمل می کند؟ می توانید به اطراف نگاه کنید. اگر می خواهید بزرگنمایی کنید، می توانید کلید shift را فشار دهید و می توانید بزرگنمایی کنید تا آن را بررسی کنید. اگر کلید کنترل را بزنید، دوباره بزرگنمایی می کنید. من می خواهم به نقشه برگردم و به اینجا بروم، و در واقع اگر شما یک تور نیست هستید، این چیزی است که خواهید دید. سیم های آنجا را می بینید؟ آنها سیم هایی دارند که شما را با گوندولا به کوه وسوسه می برند. آیا این نوع ناخالص است؟ شما باید پیاده روی کنید و با پای پیاده بخشی از زمین باشید.

اما من همیشه این یکی را انجام می دهم زیرا مورد علاقه من است زیرا، خوب، دوستم اینجا است. می بینید، آیا او لبخند می زند؟ او لبخند می زند. می دانید که او یک شتر خوشحال است. و آیا می بینید که بینی او پر است؟ شما می گوئید، "هیلدبرانت، در مورد چه چیزی صحبت می کنید؟" بسیاری از شترها را خواهید دید که سوراخ های بینی آنها کنده شده است. آنها این کار را می کنند و این ظلم به حیوانات است. آیا بینی بسیاری از شترها کنده شده است؟ مردم واقعا نسبت به شترها در آنجا بی رحم هستند. اما آیا واقعا شترها نیز زینت هستند؟ این یک نوع خیابان دو طرفه است. با نگاه کردن به بینی می توانید ببینید که چقدر از این شتر مراقبت شده است. اما این مرد بیش از حد می خواست بنابراین من اجازه نمی دهم همسر در این یکی بالا برود. مردی که در سینا بود به او اجازه داد بالا برود، او فقط پایش را گرفت و این تمام چیزی بود که برای من هزینه داشت.

سپس اینجا رستوران وسوسه است، این کوه وسوسه است که مسیح در آن وسوسه شد. خب این جریکو است و یک نفر به من یک چیز واقعا بدی گفت. و سلی اخيرا آنجا بوده است، این کل هتل اکنون از بین رفته است. بنابراین آنها کل هتل را ویران کردند. واقعا غم انگیز است.

پس این جریکو است، آیا به شما نوعی حس می دهد که چگونه کار می کند؟ اورشلیم را خواهید داشت و می توانید در اورشلیم کاوش کنید. بنابراین اجازه دهید به وضوح همیشگی خود برگردم.

ت. راحاب و اریحا [83:58-75:01]

بازگشت به جریکو. ما می خواهیم در مورد راحاب و برخی از این چیزهایی که با او اتفاق می افتد صحبت کنیم. یوشع فصل 2، اجازه دهید فقط آیات اولیه را در مورد راحاب بخوانم. او اریحا است. می گوید، "آنگاه یوشع پسر نون مخفیانه دو جاسوس را از شیتیم فرستاد و گفت: «به آن سرزمین بروید،

به ویژه اریحا.» پس رفتند و به خانه ای به نام راحاب وارد شدند. ”چرا باید به خانه کنعانی بروند؟ آیا دسترسی آسان به داخل و خارج خواهد بود؟ آیا او همه چیزهایی را که در شهر می گذرد می داند؟ اگر جاسوس باشید آیا او فرد خوبی برای صحبت کردن است؟ بنابراین آنها وارد می شوند، او یک کنعانی است، و آنها آنجا می مانند. به پادشاه اریحا گفته شد: «ببین، برخی از اسرائیلی ها آمده اند تا از سرزمین ما جاسوسی کنند. پس پادشاه اریحا به راحاب گفت: «بنی اسرائیل را که به خانه تو وارد شده اند، بیرون بیاور، زیرا که آمده اند تا تمامی زمین را جاسوسی کنند.» اما زن آن دو مرد را گرفته و پنهان کرده بود. او گفت: بله، مردان پیش من آمده بودند، اما نمی دانستم از کجا آمده اند. سوال، آیا این یک دروغ آشکار است؟ به محض اینکه آن بچه ها دو کلمه گفتند، آیا او می دانست که آنها از کجا آمده اند و آنها یهودی هستند و کنعانی نیستند؟ آیا تفاوت های دیالکتیکی وجود دارد که کسی دقیقاً بداند. من می گویم، "من می روم کاه خود را در بوستون بگیرم." به محض اینکه می گویم، "کاه" یا "من بت خوبی داشتم". سوال، آیا می دانید که من اهل بوستون هستم اگر بگویم "idear"؟ آنها حتی یک "r" در "larw" قرار می دهند، این من را دیوانه می کند، حتی نمی توانم آن را تلفظ کنم.

اما اگر بگویم، "شما امشب به خانه من می آیید." حالا من به تازگی به زیر میسون دیکسون رفته ام. همسرم، او همیشه از دست من عصبانی می شد زیرا می گفت، "من به بچه هایم یاد نمی دهم که اینطور صحبت کنند" زیرا ما در تنسی بودیم. اما من از نحوه صحبت مردم در آنجا خوشم آمد. آنها واقعا آرام هستند. اما این روی نوار است، و من احتمالا مصلوب خواهم شد. همسر من، یک رشته انگلیسی واقعی است که به زبان انگلیسی صحبت می کند... لی.

راحاب دو جاسوس را پنهان می کند و سپس به پادشاه می گوید چه؟ واقعا باحاله. او می گوید: "آنها اینجا بودند، اما برگشتند. اگر بچه ها به دنبال آنها بدوید، به سرعت می توانید آنها را بگیرید." بنابراین او آنها را به تعقیب غاز وحشی می فرستد. راستی آیا راحاب به مردان پادشاه دروغ گفت؟ این چه چیزی را به شما یادآوری می کند که برای محافظت از جان کسی دروغ گفت و خدا آن را تأیید کرد و به او برکت داد؟ قابله ها در مصر. آیا یهودیان را در زیرزمین خود دارید؟ نه، آنها به این سمت رفتند. راستی، آیا خدا راحاب را تأیید می کند؟ کل شهر ویران شده است و چه کسی در امان مانده است؟ Rahab. آیا راحاب مورد تأیید خدا قرار می گیرد؟ نه تنها او در امان می ماند، بلکه شجره نامه راحاب کنعانی در چه کسی قرار می گیرد؟ عیسی. وقتی در متی فصل 1 هستید و به شجره نامه می روید و ابراهیم، اسحاق و یعقوب را می بینید و تمام راه را پایین می آورید، و راحاب کنعانی را در نسل مسیح می بینید.

تنها چیزی که می خواهم بگویم این است که در جنگ می توانید از فریب استفاده کنید، همانطور که در بسکتبال هنگام پرتاب یک جلی استفاده می کنید. در زمینه جنگ پذیرفته شده است. ژنرال ها سعی

می کنند یکدیگر را جعل کنند. او آنها را فریب می دهد و آیا از این کار فرار می کند؟ او از آن فرار می کند. حالا چه اتفاقی می افتد؟ در فصل 2 یک بیانیه فوق العاده در اینجا وجود دارد. به آنچه راحاب گفت گوش کنید، "پیش از آنکه جاسوسان برای شب دراز بکشند، او به پشت بام رفت و به ایشان گفت: «می دانم که یهوه این زمین را به شما داده است.» [توجه داشته باشید که او از نام یهوه استفاده می کند] و آن ترس بزرگ از تو بر ما افتاده است. به طوری که همه کسانی که در این کشور زندگی می کنند به خاطر شما از ترس نوب می شوند. ما شنیده ایم که یهوه چگونه آب دریای سرخ را خشک کرد. آیا او از عبور از دریای سرخ اطلاع داشت؟ او از کجا این را می دانست؟ وقتی تاجران از مصر بیرون می آمدند، آن داستان را مستقیماً به اریحا می آوردند؟ آنها از آن عبور می کنند آیا او این فروشگاه ها را می شناسد؟ او به جاسوسان می گوید. جاسوسان در مورد عبور از دریای سرخ به او نمی گویند. او به جاسوسان می گوید: «ما می دانیم که یهوه شما در خشک کردن دریای سرخ چه کرد. و آنچه شما را به سیحون و عوج انجام داد، دو پادشاه از اموریان شرق اردن که شما به طور کامل نابود. وقتی از آن شنیدیم قلب ما نوب شد و شجاعت همه به خاطر تو از بین رفت. یهوه خدای شما خدایی است که در آسمان بالا و زمین در پایین است. آیا این بیانیه بهتری است که از اکثر یهودیان دریافت می کنید؟ پس ادامه می دهد و می گوید: «خواهش می کنم به یهوه به من سوگند یاد که با خانواده ام مهربانی خواهی کرد زیرا من به تو مهربانی کرده ام.» «من به تو مهربانی می کنم، تو با من مهربانی می کنی. آیا خدا راحاب را حفظ می کند؟ او به بچه ها اجازه می دهد از پنجره بیرون بروند، آنها می گویند، "شما باید یک طناب قرمز کوچک را روی پنجره خود ببندید و سپس ما می دانیم که خانه شماست." وقتی دیوارها فرو می ریزند، حدس بزنید خانه چه کسی ایستاده است و حدس بزنید چه کسی در امان می ماند؟ Rahab. او در اسرائیل پذیرفته می شود و در شجره نامه مسیح به پایان می رسد. این یک خانم باورنکردنی است. حالا می خواهم یک چیز دیگر را به شما نشان دهم که اگر جغرافیا را نمی دانید از دست می دهید. نقش زنان در جنگ چیست؟ آیا زنان بیرون می روند و می گویند، "هی، من تکواندو و جو جیتسو برزیلی را می شناسم، می توانم شما را بیرون بیاورم" یا زنان در جنگ از مردان پیشی می گیرند؟ آنها از آنها پیشی می گیرند. فقط باید مراقب زنان با ناخن، چکش و گیره باشید. بنابراین کاری که او انجام می دهد واقعا جالب است. او در اریحا در پایین دره است. وقتی دشمنان شما را تعقیب می کنند، معمولاً به چه سمتی می روید؟ وقتی جوانتر بودم، در مورد باندهای تبهکار صحبت نمی کنم، ما دو گروه در محله خود داشتیم، یک گروه سیگاری و مشروب خوار و دیگری بچه های ورزشی بودند. بنابراین اساساً ما سرها را می کوبیدیم. بنابراین آنها شروع به تعقیب ما کردند و وقتی شما را تعقیب می کنند به چه سمتی می دوید؟ شما همیشه به خانه می دوید، و بنابراین آنچه در اینجا اتفاق می افتد، جاسوسان از شهر خارج می شوند و به طور طبیعی به کوه نبو برمی گردند و به سوی همه یهودیان که در آن محافظت

می کردند، برمی گردند. اگر آنها به آن جهت بدونند، شرق، با چه کسی برخورد خواهند کرد؟ مردان پادشاه از رود اردن باز می گردند. پس راحاب به آنها چه می گوید؟ او می گوید، به سمت رود اردن فرار نکنید وگرنه اسیر خواهید شد. در عوض بدوید، دقیقا برعکس که می دویدند، تا کوه های غرب بدوید. بنابراین او به آنها می گوید از این کوه بالا بروید، روی کوه بنشینید. وقتی روی کوه نشسته اند، آیا می توانند ببینند که مردان پادشاهان به شهر باز می گردند؟ سپس کاری که انجام می دهید این است که دور آنها می دوید و همه در امان هستید. به هر حال، آیا این واقعا توصیه عاقلانه و خوبی است؟ او واقعا زیرک است و به آنها توصیه های بسیار خوبی می کند و جان این بچه ها را نجات می دهد و به این ترتیب روز را می برد. بنابراین راحاب کاملا یک خانم بود و او قهرمان است.

U. عبور از رود اردن [89:21-83:59]

بنابراین آنها می خواهند به رودخانه اردن بروند و از رود اردن عبور کنند. در مورد رود اردن چه می دانید؟ "سرد و سرد است. بدن را سرد می کند و نه روح." بگذارید کمی در مورد رود اردن صحبت کنم. اول از همه، من در رودخانه نیاگارا بزرگ شدم. آیا رودخانه نیاگارا یک رودخانه واقعی است؟ آیا هیچ یک از شما بچه ها به آبشار نیاگارا رفته اید؟ عرض آن حدود یک مایل است، یک رودخانه واقعی است. به اسرائیل می روم و به رود اردن می روم. رودخانه اردن به طور متوسط 60 فوت عرض و 3 فوت عمق دارد. سوال، آیا من از کجا آمده ام، آیا این یک رودخانه است؟ ما آن نهرها را می نامیم. پدر شوهرم برای دیدار ما به اسرائیل آمد و ما او را به سراسر اسرائیل بردیم و در نهایت او به نوعی از دست من ناراحت شد، او گفت، من می خواهم بروم رود اردن را ببینم. من در سراسر اسرائیل بوده ام و رود اردن را ندیده ام. من می گویم، "پدربزرگ، من نمی خواهم تو را به آنجا ببرم. این یک اتلاف است، درست مثل وودز کریک، چیزی نیست." بنابراین من گفتم، "بسیار خوب. یک شب بیا به آنجا برویم." بنابراین من شب ها ماشینم را بالا می برم و چراغ هایم را روی رودخانه اردن روشن می کنم، او واقعا از دست من عصبانی می شود و می گوید، "این رودخانه نیست، این یک خندق آبیاری است." در واقع رود اردن بود.

حالا شما می گوئید یک دقیقه صبر کنید رودخانه اردن شصت فوت عرض و سه فوت عمق دارد، چه مشکلی در مورد عبور از رود اردن وجود دارد؟ فراموش کردم چیزی به شما بگویم. چه زمانی از رود اردن عبور می کردند؟ آنها وقتی به گیلگال می رسند چه چیزی را در طرف دیگر جشن می گیرند؟ آنها می خواهند عید فصح را جشن بگیرند. بنابراین آنها می خواهند از رودخانه اردن عبور کنند و عید فصح را جشن بگیرند.

آیا ما دقیقا می دانیم که چه زمانی است؟ آیا در بهار است، در مورد زمان عید پاک ما؟ مشکل رودخانه اردن در فصل بهار چیست، که از فصل بارانی بیرون می آید، در مرحله سیل است. رودخانه

اردن در مرحله سیل می تواند یک مایل عرض داشته باشد. به هر حال، آیا جاسوسان بدون دخالت الهی از رودخانه عبور کردند؟ آیا جاسوسان به تنهایی از رود اردن عبور کردند؟ حتی در مرحله سیل توسط شخصی که شنا بلد است می تواند از آن عبور کند. به هر حال، مردم نیز در رود اردن غرق شده اند، منظوری این نیست که این موضوع را خیلی کم جلوه دهم. بنابراین جاسوسان از آن عبور می کنند.

آیا خدا رود اردن را خشک خواهد کرد؟ بله، او است. عبور از رود اردن، معجزه بود یا به دلایل طبیعی؟ در فصل 3 آیات 15 و 16، اجازه دهید این آیات را بخوانم که در مورد رود اردن و خشک شدن آن صحبت می کنند. خیلی با دقت گوش کنید. به هر حال، وقتی از دریای سرخ عبور کردند، یادتان می آید که در دریای سرخ چه می گفت؟ در سمت چپ و راست آب روی هم انباشته شده بود، از هر دو طرف مانند دیوار. دریای سرخ وقتی از آن عبور می کردند از چپ و راست انباشته شده بود - در مورد رود اردن اینطور نبود. اکنون رودخانه اردن در تمام طول برداشت در مرحله سیل است. این برداشت بهاره است، در طول برداشت گندم و جو. "با این حال، به محض اینکه کاهنی که کشتی را حمل می کرد به اردن رسید، هنگامی که پاهای آنها به لبه آب برخورد کرد، آب از بالادست متوقف شد." می بینید چه خبر است؟ آیا آب مانند دیوار انباشته شده است یا از بالادست متوقف شده است؟ «و در توده ای دورتر در شهری به نام آدم انباشته شد.» حدود 10 مایلی شمال جایی که آنها از آن عبور کردند، رودخانه اردن از یک دره می گذرد. آن دیوار دره دو بار در تاریخ فرو ریخته است، که ما در مورد آن می دانیم. دیواره دره فرو ریخته و سدی تشکیل داده و رودخانه اردن را سد کرده است. در سال 1927، یکی از آن فروپاشی ها اتفاق افتاد. در واقع ضبط شده است، ما سابقه کتبی از آن داریم. دیواره دره فرو ریخت و رودخانه اردن خشک شد. می گوید، "که آب در آدم متوقف شد،" که دقیقاً همان جایی است که این دره است. آیا ممکن است که خداوند از ابزارهای طبیعی برای تثبیت اهداف خود استفاده کرده باشد؟ به هر حال، آیا هنوز یک معجزه است؟ این دو بار در تاریخ اتفاق افتاده است که ما می شناسیم، دو بار در دو هزار سال. کاهنان بالا می روند و پاهایشان را در آن می گذارند و ناگهان آب پایین می آید. آیا این یک معجزه زمان بندی است اگر هیچ چیز دیگری نباشد؟ بنابراین من می گویم که این معجزه خدا بود، اما خدا می توانست از وسایل طبیعی استفاده کند و به نظر می رسد که در اینجا آب در آدم انباشته شده است. بنابراین ممکن است که او از فروپاشی دیواره های دره استفاده کرده باشد.

[سوال دانشجو] اتفاقی که می افتد این است که دره فرو می ریزد، یک سد می سازد، و آب به عقب برمی گردد، به عقب برمی گردد، و فشار بیشتری به آن سد وارد می کند و در نهایت آن را منفجر می کند. آیا تا به حال قلعه های شنی با آب و سدها ساخته اید؟ وقتی آب کافی دریافت می کنید و آب از بین می رود و همه چیز را سرریز می کند. بنابراین این یک معجزه خدا بود، اما خدا ممکن است از

فروریختن دره اردن استفاده کرده باشد. بنابراین اساساً این چیزی است که ما می‌خواستیم در مورد آن صحبت کنیم، و دفعه بعد 12 سنگ را خواهیم گرفت.

این دکتر تد هیلدبرانت در کلاس تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق خود در مورد قوانین دشوار از کتاب تثنیه و مقدمه‌ای بر کتاب یوشع تا تصرف اریحا است.

رونویسی شده توسط کارلی بالمر خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت 2